یا لیت الحسین ایران

دوشنبه
۱۳ مهر ۱۴۰۵
۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۵ اکتبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰ هزار تومان

شماره
۶۵۵

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



استقبال از اجرای دو طرح تثبیت قیمت کالاهای اساسی و مادرانه توسط شهرداری تهران

تورم صفر

۶

عراقچی خطاب به سفرای مقیم ایران:

دشمن حمله کند، محکم‌تر از قبل پاسخ می‌دهیم

۳

عقلانیت مدون از گذشته تا امروز؛ به بهانه سالروز تولد اولین مولف دایره‌المعارف در جهان

سرگذشت دانشنامه‌نویسی در تقاطع هویت و فناوری

۵

استفاده از حق قانونی یا حفظ موقعیت شغلی

مرخصی زایمان هست امنیت شغلی چطور؟

۷



دولت فرانسه با شدت در حال سرکوب اعتراضات دانش‌آموزی است

مشت آهنین الیزه بر سر نوجوانان

۳

نایب‌رئیس مجلس در گفت‌وگو با «آگاه» مطرح کرد

کمک خواسته یا ناخواسته به دشمن، خط قرمز است؛ با متخلفان برخورد شود

معیشت مردم و شرایط اقتصادی آنها، به اذعان بسیاری از مسئولان، از جمله خطوط قرمز نظام است و از این رو باید با برنامه‌ریزی دقیق و اتخاذ تدابیر مناسب، از تشدید مشکلات معیشتی مردم جلوگیری کرد. کنترل تورم و گرانی کالاها، مدیریت تبعات تغییرات در حوزه سوخت و ساماندهی برخی فعل و انفعالات در بازارهای مالی که مردم در آنها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، از جمله موضوعاتی است که نیازمند توجه جدی دستگاه‌های اجرایی است تا فشار اقتصادی مضاعفی به خانوارها وارد نشود.

دستگاه‌های اجرایی باید به نحوی عمل کنند که ضمن خنثی‌سازی و مدیریت فشارهای اقتصادی ناشی از اقدامات و فشارهای دشمن، امنیت خاطر و اطمینان لازم را به مردم منتقل کنند. مردم باید احساس کنند که مسائل اقتصادی کشور تحت مدیریت و کنترل قرار دارد و قرار نیست مشکلات و تکانه‌های اقتصادی، بیش از این بر زندگی و معیشت آنها اثر بگذارد. در این مسیر، اطلاع‌رسانی شفاف، تصمیم‌گیری به موقع و پیش‌بینی تبعات سیاست‌های اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در تقویت اعتماد عمومی داشته باشد.

در شرایطی که فشارهای اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش نارضایتی‌های اجتماعی شود، نباید اجازه داد مشکلات و تصمیمات اقتصادی به جرقه‌ای برای شکل‌گیری اعتراضات داخلی تبدیل شود. مدیریت صحیح و پیشگیرانه مسائل اقتصادی، حمایت از معیشت مردم و ایجاد اطمینان نسبت به آینده، باید در اولویت دستگاه‌های مسئول قرار گیرد تا ضمن حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی، اجازه داده نشود فشارهای اقتصادی به نارضایتی گسترده در جامعه تبدیل شود.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین الزامات مدیریت شرایط اقتصادی، پرهیز از تصمیمات ناگهانی و سیاست‌هایی است که بدون آماده‌سازی افکار عمومی و بررسی آثار آن بر زندگی مردم اجرا می‌شود. هر تصمیم اقتصادی، حتی اگر با هدف اصلاح ساختارها و حل مشکلات موجود اتخاذ شود، باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد و آثار مستقیم و غیرمستقیم آن بر معیشت خانوارها، تولید، بازار و قدرت خرید مردم سنجیده شود. جامعه در شرایط دشوار اقتصادی بیش از هر زمان دیگری به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد و مردم باید بدانند سیاست‌گذار برای پیامدهای تصمیمات خود برنامه دارد و در صورت بروز مشکل، مسیر اصلاح و جبران نیز مشخص است. ایجاد این اطمینان می‌تواند مانع شکل‌گیری فضای نگرانی و بی‌اعتمادی شود و اجازه ندهد شایعات و فضاسازی‌های روانی، مشکلات اقتصادی موجود را چند



برابر جلوه دهد. در کنار این موضوع، دستگاه‌های مسئول باید میان مقابله با جنگ روانی و اطلاع‌رسانی واقعی به جامعه تفکیک قائل شوند. پنهان کردن مشکلات یا ارائه تصویر غیرواقعی از شرایط اقتصادی، نه تنها به افزایش اعتماد عمومی کمک نمی‌کند، بلکه در صورت آشکار شدن واقعیت‌ها می‌تواند آسیب بیشتری به سرمایه اجتماعی وارد کند. آنچه ضروری است، ارائه اطلاعات دقیق، به موقع و کارشناسی‌شده همراه با تشریح راهکارهای دولت و سایر نهادهای مسئول برای حل مشکلات است. مردم باید بدانند در حوزه‌هایی مانند تورم، قیمت کالاهای اساسی، سوخت، بازار ارز، نظام بانکی و بازار سرمایه چه اقداماتی در حال انجام است و چه برنامه‌ای برای جلوگیری از آسیب دیدن معیشت آنها وجود دارد. اگر دستگاه‌های اجرایی بتوانند در کنار مدیریت واقعی اقتصاد، ارتباطی شفاف و مسئولانه با مردم برقرار کنند، بخش مهمی از نگرانی‌های اجتماعی کاهش خواهد یافت و زمینه برای سوءاستفاده دشمن از مشکلات اقتصادی نیز محدودتر خواهد شد.

در همین زمینه با حمیدرضا حاجی بابایی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

■ با چه سازوکارهایی باید از ایجاد جنگ روانی دشمن و هرگونه نارضایتی اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کنیم؟

اولا ما در نوع گفتمان‌مان و در نوع آمار و ارقامی که ارائه می‌کنیم و مشکلاتی را که بیان می‌کنیم، باید به چند نکته دقت کنیم. نکته اول این است که کارشناسی و دقیق حرف بزنیم. نکته دوم این است که هر راستی را نباید بیان کنیم. بالاخره در کشور، اخبار و آماری را که در اختیار قرار می‌دهیم، فقط مردم نمی‌شنوند؛ دنیا می‌شنود، دشمن ما می‌شنود و اگر ما به دشمن کد بدهیم که «آقا، من اینجا ضعف دارم، آنجا ضعف دارم»، آنها از این تبلیغات استفاده می‌کنند. نهایتا عده‌ای هم کمک خواهند کرد تا در تبلیغات، مردم را ناامید کنند. بنابراین ایجاد هرگونه یاس و ناامیدی، گناه نابخشودنی است. این به معنای آن نیست که ما نقد نکنیم؛ نقدها را باید بیان کرد. معنای آن این است که تیره و تاریک نشان دادن کشور، یک گناه نابخشودنی است. کشور در زمینه‌های گوناگون رو به رشد است و به حمدالله قدرتمند و قوی است؛ در مقابل آمریکا ایستاده، مقابله کرده و پیروز شده است. حالا اشکالاتی هم وجود دارد و این اشکالات حتما باید برطرف شود.

■ عملکرد دستگاه اجرایی چقدر می‌تواند از هرگونه نارضایتی‌های اقتصادی جلوگیری کند؟

دستگاه‌های اجرایی هم باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند. البته این حرفی که من می‌زنم فقط برای مجلس نیست؛ هم برای مجلس، هم برای دولت، هم برای قوه قضاییه و همه نهادهاست. امروز باید ما بیش از هر روز دیگری کار کنیم. علاوه بر آن مدیریت اقتصاد این روزها بالاترین حرف را می‌زند؛ یعنی در کشور باید تمام توان مسئولان ما به سمت مدیریت اقتصادی برود.

■ در شرایطی که فشارهای اقتصادی افزایش یافته، دستگاه‌های مسئول چگونه باید مانع تبدیل مشکلات اقتصادی به نارضایتی اجتماعی شوند؟

مردم ما ناراحت نمی‌شوند که جنگ باعث گرانی بشود؛ مردم از این ناراحت می‌شوند که بی‌مدیریتی باعث گرانی بشود، کم‌دقتی باعث گرانی بشود. پس اینها مجموعه‌هایی هستند که به دشمن کمک می‌کنند. اینکه مجموعه‌هایی خواسته یا ناخواسته، به دشمن کمک کنند پذیرفتنی نیست و باید با آنها برخورد شود. بنابراین هرگونه ایجاد بستر برای سیاه‌نمایی، هرگونه ایجاد بستر برای تبلیغ دشمن و اینکه دشمن سوءاستفاده کند، قطعا نابخشودنی است.

در مجموع، تاکیدات بسیاری از نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که مدیریت شرایط اقتصادی و جلوگیری از تبدیل فشارهای معیشتی به نارضایتی اجتماعی، نیازمند عملکرد هماهنگ و مسئولانه همه دستگاه‌های کشور است. از این رو مسئولان باید ضمن بیان دقیق و کارشناسی مشکلات، از ایجاد فضای یاس و ناامیدی و ارائه اطلاعاتی که می‌تواند مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرد، پرهیز کنند. در عین حال، این رویکرد به معنای نادیده گرفتن مشکلات یا توقف نقد نیست، بلکه نقد و بیان ضعف‌ها باید با هدف اصلاح و تقویت کشور انجام شود.

نجم‌آبادی مطرح کرد

بانک‌ها املاک سرشار دارند اما از کفایت سرمایه پایین رنج می‌برند



بهروز محبی نجم‌آبادی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه»، در ارزیابی خود از افزایش سرمایه بانک‌ها و قوانین برنامه هفتم توسعه در این زمینه، گفت: به واقع به موجب جنگ، بحث نظارت بر اجرای برنامه هفتم توسعه مقداری به تأخیر افتاد، اما مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که باید با سرعت از دولت بخواهیم گزارش کامل خود درباره وضعیت بانک‌ها را به مجلس ارائه کند. نماینده مردم سبزوار، جوین و جغتای در مجلس افزود: در مقطعی عدد کفایت سرمایه که باید حداقل ۸ باشد، در برخی بانک‌ها حتی منفی بود و این مسئله باعث شده بود پنج بانک و مؤسسه اعتباری بزرگ با مشکلات جدی مواجه شوند؛ به عنوان نمونه بانک آینده دچار مشکلات خاصی شد که نهایتاً به حذف آن انجامید. این موارد باید با سرعت از سوی دستگاه‌های نظارتی پیگیری شود. وی بیان کرد: شاهدیم که بانک‌ها منابع و املاک فراوانی دارند؛ املاکی که وجود آنها در برخی مکان‌های خاص شهری که می‌تواند مورد استفاده تجاری ویژه قرار گیرد، واقعاً جای تعجب و سؤال دارد. نجم‌آبادی افزود: البته دولت نیز طلب‌ها و بدهی‌هایی به بانک‌ها دارد و قطعاً با مولدسازی، اگر سازوکار دقیقی برای آن تعریف شود ـ که متأسفانه هنوز آن‌چنان که باید عملیاتی نشده است ـ می‌توان این مسئله را سامان داد. مجلس و دولت در مقابل این موضوع مسئول هستند و باید زمینه را فراهم کنند تا کفایت سرمایه بانک‌ها افزایش یابد و بانک‌ها توانمندتر شوند. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس ادامه داد: باید زمینه‌ای فراهم شود که بانک‌ها بتوانند منابع خود را به سمت تولیداتی که در کشور دارای مزیت ویژه هستند منتقل کنند؛ به گونه‌ای که هم برای بانک‌ها سود قابل توجهی داشته باشد و هم منافع سپرده‌گذاران تأمین شود. وی تأکید کرد: از سویی دیگر بانک‌ها باید خودشان کمک‌کننده به تولید باشند، نه اینکه به واسطه‌گری‌ها و سوداگری‌های نامفید کمک کنند؛ چراکه متأسفانه بخش اساسی تورم ریشه در همین سوداگری‌ها در حوزه ارز، طلا، املاک و سایر حوزه‌ها دارد.

ضرورت ایجاد یک پدافند گفتمانی



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

رئیس‌جمهور تروریست آمریکا که دستش به خون رهبر شهیدمان و بسیاری از هموطنان‌مان آلوده است در طول یک سال گذشته سعی کرده است هر روز با اقدامات رسانه‌ای نسبت به اهداف شوم خود، جامعه مخاطب چه در داخل کشور و چه بیرون را مورد هجمه و آسیب قرار دهد. او برای این کار خود یک نقشه مشخص دارد و سعی می‌کند با انتشار پیام‌هایی در توییتر، سوشال تروث، اینستاگرام و... در قالب جنگ روانی و شناختی مد نظرش مسیر را در پیش بگیرد. در مقابل همچون جنگ نظامی ما نیاز داریم تا در برابر القائات و دروغ‌های پی در پی ترامپ یک برنامه‌ریزی بنیادین و یک پدافند گفتمانی صورت دهیم. در واقع با توجه به وضعیت ترکیبی جنگ‌های نوین، در کنار پدافند موشکی، نیاز مبرم به «پدافند گفتمانی» در شرایط امروز بسیار حیاتی است. واژه‌ها در جنگ شناختی، حکم گلوله را دارند. نبود سامانه‌ای هوشمند برای تنظیم‌گری روایت‌ها و یکسان‌سازی رجزخوانی‌ها، توان دفاع زبانی ما را فرسایش می‌دهد. این سامانه نه باری ساختاری، بلکه رگولاتوری برای هم‌افزایی واژگانی و تبدیل تکثر بی‌برنامه به وحدت جمعی اثرگذار در برابر تهدیدات است. رسانه‌های دشمن امروزه با تکنیک «برجسته‌سازی»، قابی محدود از یک رویداد را تکرار می‌کنند تا معنایی خاص را القا کنند. این انتخاب جهت‌دار همزمان با «حذف» یا کوچک‌نمایی حقایق رقیب همراه است. بنابراین، هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست و آنچه ما می‌بینیم، واقعیتی برساخته و ناقص است که آگاهانه جایگزین حقیقت مطلق می‌شود.

حالا نکته اینجاست که الزامات شکل‌گیری یک پدافند گفتمانی در برابر حملات دشمن چیست و چه الزاماتی باید رعایت شود؟

الف) تولید محتوای بنیادین و پیش‌دستانه

بدون داشتن یک «هسته سخت» از حقایق و ارزش‌ها، پدافند تنها به واکنش تبدیل می‌شود، در حالی که پدافند واقعی باید پیش‌دستی باشد. در واقعیت ماجرا نباید منتظر ماند تا دشمن کاری را صورت دهد و سپس ما دست به اقدام بزنیم بلکه باید پیش‌دستانه و قاعده‌مند ما طرف مقابل را به ایجاد پدافند مجبور کنیم.

ب) تدوین روایت اصلی

ما نباید منتظر بمانیم تا دشمن چیزی بگوید و سپس آن را تکذیب کنیم. الزام اول، داشتن یک روایت مقتدرانه، منسجم و جذاب از خودمان است که جای خالی را پر کند.

ج) شناخت ابزار و الگوی دشمن

باید مکانیسم‌های روان‌شناختی دشمن مانند تکنیک‌های برجسته‌سازی که اشاره شد، یا استفاده از سوءاستفاده از احساسات را عمیقا بشناسیم تا به محض شروع حمله، نوع آن را شناسایی کنیم. وضع فعلی حکایت از عدم شناخت عمیق ما نسبت به این موضوع دارد و همین موجب شده است تا در برابر پاتک‌های شناختی دشمن حیله‌گر اقدام سریع صورت نگیرد.

د) تسلط بر الگوریتم‌ها

پدافند باید بداند که پیام‌ها چگونه در شبکه‌های اجتماعی توزیع می‌شوند. شناسایی سریع «ترندهای منفی» و تولید سریع محتوای مقابله‌ای الزامی است. در کنار آن تنوع در پلتفرم و زبان هم جزو مولفه‌های حیاتی است. پدافند نباید فقط در رسانه‌های سنتی یا فارسی‌زبان باشد. تولید محتوا باید به زبان‌های جهانی و در قالب‌های مدرن (ویدئوهای کوتاه، اینفوگرافیک و پادکست) باشد تا از لایه‌های مختلف مخاطب عبور کند.



زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور:
هنوزهیچ تاریخی برای برگزاری انتخابات شوراها مشخص نشده

حاجی‌بابایی خبرداد
وزرای پیشنهادی اطلاعات و دفاع تا پایان مهر به مجلس معرفی می‌شوند



حمیدرضا حاجی‌بابایی درباره زمان معرفی گزینه‌های پیشنهادی دولت برای تصدی دو وزارتخانه «دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» و «اطلاعات»، گفت: با توجه به رایزنی‌های صورت گرفته، دولت اعلام کرده که در دو، سه هفته آینده وزرای پیشنهادی دفاع و اطلاعات را معرفی خواهد کرد بنابراین پیش‌بینی می‌شود که دولت در مهر این دو وزیر پیشنهادی را به مجلس معرفی کند.

وی افزود: پس از معرفی وزرای پیشنهادی، مجلس در فرصت زمانی که آیین‌نامه داخلی مشخص کرده، به بررسی صلاحیت و برنامه‌های آنها خواهد پرداخت. امیدواریم که وزرای پیشنهادی بتوانند رای اعتماد لازم را از نمایندگان کسب کنند. نایب‌رئیس مجلس با تاکید بر آمادگی مجلس برای همکاری با دولت جهت بهبود شرایط کشور، افزود: اگر احیانا دولت به دنبال اصلاحاتی در بدنه کابینه باشد، همچنان می‌تواند از کمک و همراهی مجلس برخوردار شود. مجلس برای همکاری با دولت کاملا آماده است تا دولت بتواند هرچه بیشتر در برابر فشارهایی که آمریکا وارد می‌کند، از مردم حمایت کند.

در پیامی به فرمانده کل انتظامی
سرلشکر عبداللهی: فراجا در جنگ و کودتا جلوی تجزیه ایران را گرفت

سرلشکر خلبان علی عبداللهی دیروز در پیامی خطاب به سردار سرتیپ پاسدار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی، آورد: «هفته فراجا» در حالی فرامی‌رسد که ملت ایران آزمون‌های امنیتی و نظامی بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشته است. تجربه جنگ‌های تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه آمریکایی- صهیونیستی و کودتای دی ۱۴۰۴ ثابت کرد، میدان نبرد امروز صرفا خط مقدم موشکی نیست؛ خیابان، ذهن مردم و تاب‌آوری اجتماعی میدان اصلی تقابل است.

وی تاکید کرد: در جنگ ۱۲ روزه، دشمن با خطای محاسباتی به دنبال تسلیم و تجزیه بود اما هوشیاری فراجا در پایش صحنه داخلی، با بهره‌گیری از مشارکت و هم‌افزایی بسیج مردمی و سایر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی توطئه را خنثی کرد. در ۱۸ و ۱۹ دی، کودتاگران و عناصر مسلح وابسته به سرویس‌های بیگانه به فرمانداری‌ها و مراکز انتظامی حمله کردند؛ اما فراجا با هوشمندی، فداکاری و ایستادگی مثال‌زدنی، خط مقدم امنیت ملی را در نظم عمومی و ثبات محلات تثبیت کرد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیام خود با بیان اینکه یادآوری برخی دستاوردها در این صحنه خطیر و پرمخاطره، گویای عظمت مجاهدت‌های فراجا است، نوشت: کاهش بیش از ۶۰ درصدی شرارت، دستگیری بیش از ۸۵ درصد اراذل نشان‌دار و انسداد هزاران نشانگاه فعال در جنگ شناختی و... بیانگر این حقیقت است که پیروزی در جنگ ۴۰ روزه و نبردهای پس از آن تا به امروز، بدون امنیت درونی ممکن نبود و فراجا با حضور مداوم و مستحکم خود، دیوار اعتماد عمومی را حفظ کرد.

در این پیام آمده است: بی‌تردید در شرایطی که دشمن شکست خورده در میدان، امروز بر جنگ شناختی متمرکز شده است، فراجا نه تنها ضابط قانون، بلکه سپر بصیرت‌افزایی و صیانت از سرمایه اجتماعی است. عملکرد درخشان آن در بیش از ۲۱۰ شب حماسه‌آفرینی ملت مبعوث شده ایران در پهنه میهن اسلامی، الگویی از امنیت مردم‌پایه را ثبت کرد.

سرلشکر عبداللهی با گرامیداشت یاد و نام شهدای فراجا در جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه و کودتای آمریکایی- صهیونیستی دی و صیانت از مرزهای کشور و تبریک این ایام خجسته، از فرماندهان و کارکنان این فرماندهی که در تقاطع جنگ سخت، نرم و شناختی ایستاده‌اند، صمیمانه قدردانی کرد.

وی در پایان پیام خود نوشت: با آرزوی دوام توفیق و سربلندی یکایک مجاهدان فراجا، تاکید می‌کنم تداوم راهبرد پلیس تراز انقلاب، حرفه‌ای و مدرن در سایه کاربست اندیشه و میراث فکری معمار کبیر انقلاب و قائد شهید امت و تدابیر فرمانده کل قوا امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ضامن عبور از پیچ تاریخی بزرگ امروز است.

«آگاه» در گزارشی مصادیق جنگ شناختی در شرایط فعلی را بررسی کرد
پشت پرده روایت‌های آمریکا درباره ایران

در عصر جدید، نبردها فقط محدود به میدان رزم. تهاجم نظامی نمی‌شود. بلکه جنگ شناختی هم شامل درگیری‌ها می‌شود. در این جنگ، هدف دیگر تصرف خاک نیست، نفوذ به ذهن‌ها، تغییر باورها و ایجاد سردرگمی در جامعه است تا اراده ملی تضعیف شود.



دشمن پس از حضور در بن بست نظامی، به دنبال آن است تا ذهن مردم را هدف قرار دهد؛ اگر جامعه نسبت به اخبار جعلی و عملیات روانی هوشیار نباشد و خواص نیز به هنگام و به موقع وظایف خود را انجام ندهند، دشمن می‌تواند بدون هیچ درگیری نظامی، آرامش اجتماعی و اعتماد عمومی را هدف‌گیری کند. برهمین اساس باید به تبیین مهم‌ترین مصادیق این جنگ شناختی پرداخت.

دوران دیکته کردن مطالبات یک‌طرفه گذشت

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی دیروز در نطق پیش از دستور خود در جلسه وبیناری مجلس با بیان اینکه فقط صهیونیست‌ها نیستند که در استیصال و درماندگی گرفتار شده‌اند، گفت: «آمریکایی‌ها نیز در مقابل ایستادگی و مقاومت ملت ایران مستاصل گشته‌اند. آمریکایی‌ها که در رسانه‌ها حرف دیگری می‌زنند، اخیرا از طریق میانجی، پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند. اما باید متوجه باشند که دوران فرسایش زمان و دیکته کردن مطالبات یک‌طرفه گذشته است و موضع جمهوری اسلامی ایران کاملا شفاف و قطعی است و تا زمانی که هفت شرط ما بر اساس تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، محقق نشود تنگه هرمز باز نخواهد شد.»

وی تاکید کرد: آنها این صراحت و قاطعیت ما را به خوبی می‌شناسند و با گوشت و پوست و استخوان درک کرده‌اند اما برای آنکه افکار عمومی داخلی خود و مردم دنیا را فریب دهند، در کنار فشار اقتصادی و اقدامات نظامی و امنیتی، لفاظی‌ها و تهدیدات نظامی خود را افزایش داده‌اند به گونه‌ای که گاهی در یک روز، چند حرف متناقض می‌زنند. این ویژگی میدان جنگ شناختی است که در آن، دشمن یک روز ژست مذاکره و توافق می‌گیرد، روز دیگر تهدید به درگیری و ویرانی می‌کند و روز بعد ادعای واسطه‌گری و مصالحه دارد.

رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: هدف از این تناقض‌های طراحی‌شده نیز ایجاد سردرگمی ذهنی در جامعه ایران، برهم زدن ثبات تصمیم‌گیری مسئولان و دستکاری محاسبات راهبردی ماست اما زهی خیال باطل! جمهوری اسلامی ایران کشوری نیست که سیاست کلان و امنیت ملی خود را با توئیت‌ها یا مصاحبه‌های روزانه مقامات آمریکایی تنظیم کند؛ ما رفتار و عمل واقعی دشمن را مبنای عمل قرار می‌دهیم، نه لفاظی‌ها و دوگانه‌سازی‌های دروغین در رسانه‌ها را.

آمریکا و جنگ شناختی علیه ایران

در فضای سیاسی به خصوص پس از دو جنگ تحمیلی علیه ایران، عبارات «جنگ شناختی» بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد. اما برخلاف تصور رایج که هنگام شنیدن واژه جنگ، میدان‌های نظامی و سخت را به یاد می‌آوریم، این نبرد میدانی، ذهن افراد را هدف‌گیری می‌کند. در حقیقت، جنگ شناختی را می‌توان تلاشی برای تغییر نحوه فکر کردن و ادراک افراد دانست؛ جایی که هدف دیگر تصرف یک کشور نیست، تصرف باورها و مفاهیم است. در این میدان، سلاح‌ها نه موشک و تانک، روایت‌های غلط، اخبار جعلی و فشارهای روانی هستند که هدف نهایی‌شان این است، جامعه بدون تهاجم نظامی، از درون تسلیم شود. همان اقدامی که رسانه موساد (اینترنشنال) پیگیری می‌کند و براساس آن تشکیل شد. بر همین اساس، مصادیق این نبرد در لایه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه دیده می‌شود. از تولید محتوای برنامه‌های جهت‌دار در رسانه‌های ضد انقلاب و فضای مجازی برای ایجاد بی‌اعتمادی متقابل گرفته تا ترس از طریق بزرگ‌نمایی قدرت نظامی دشمن برای ایجاد اضطراب بین ایرانی‌ها. البته در جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه تیرشان به سنگ خورد و با ضرباتی که توسط رزمندگان نیروهای مسلح دریافت کرده‌اند، به خوبی پی برده‌اند، ایران و ایرانیان بیدی نیستند که با این بادها بلرزند. پس اگر بخواهند دوباره خطایی مرتکب شوند، پاسخ دردناکی دریافت می‌کنند. اما دشمن بیکار ننشسته و برنامه‌ریزی می‌کند ایران را وادار به تسلیم کند. از این رو، با جنگ شناختی یک هدف دارد؛ انسجام ملی کم‌رنگ شود تا تمرکز جامعه از مسیر توسعه و پیشرفت، به سمت تردید سوق پیدا کند. همان سیاستی که دونالد ترامپ در کاخ سفید با ادعاهای مضحکش علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌کند.

بازی روانی و رسانه‌ای ترامپ



بیژن مقدم، آگاه مسائل رسانه درباره ادعاهای مطرح شده درباره تنگه هرمز اظهار کرد: اگر تنگه هرمز در اختیار آمریکا باشد و این کشور تمام اهداف خود را محقق کرده باشد، اساسا دیگر مذاکره معنایی نخواهد داشت. آمریکایی‌ها مدعی‌اند تاسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اند، قیمت نفت را کاهش داده‌اند و ایران را ۱۰ تا ۲۰ سال عقب انداخته‌اند؛ بنابراین باید پرسید اگر همه این اهداف محقق شده، ادامه لشکرکشی و آماده‌سازی برای حمله و صرف این حجم از هزینه و زمان برای چیست؟

وی افزود: تنگه هرمز همچنان در اختیار ایران است و کشتی‌ها از این تنگه عبور می‌کنند. البته همه کشتی‌ها از این مسیر عبور نمی‌کنند و بخشی از تردد‌ها از مسیرهای دیگر انجام می‌شود. کارشناس مسائل رسانه با بیان اینکه حدود ۲۰ درصد از حمل‌ونقل مربوط به این مسیر است، گفت: همین میزان نیز می‌تواند بر قیمت نفت اثرگذار باشد. مقدم با اشاره به اظهارات ترامپ درباره تنگه هرمز، آن را نوعی بازی روانی و رسانه‌ای می‌داند و می‌گوید: اگر تنگه هرمز در اختیار ایران است و نفت نیز در حال جابه‌جایی است، ادامه برخی ادعاها با یکدیگر تناقض دارد و نشان می‌دهد فاصله میان سخنان مطرح‌شده و واقعیت‌های صحنه قابل توجه است. وی درباره شرایط سیاسی داخلی آمریکا نیز گفت: اگر دموکرات‌ها بتوانند هم مجلس سنا و هم مجلس نمایندگان را در اختیار بگیرند، شرایط برای ترامپ دشوارتر خواهد شد و کار او با چالش بیشتری مواجه می‌شود.

حرف آخر

کنار هم قرار دادن مواضع سران آمریکا علیه ایران- با رویکرد جنگ شناختی- و مواضع دیروز رئیس نهاد قانون‌گذاری، نشان می‌دهد با استراتژی ترکیبی روبه‌رو هستیم که در آن، ترکیب تهدید، میانجی‌گری و مذاکره به عنوان سنسور عمل می‌کند. آنها با هر حرکت، واکنش‌های داخلی ایران را اندازه می‌گیرند تا نقاط ضعف را شناسایی و میزان تاب‌آوری ما را بسنجند. از این منظر، تضاد در مواضع مقامات آمریکایی که گاهی تهدید می‌کنند و گاهی از مذاکره سخن می‌گویند می‌تواند راهبردی برای ایجاد تردید در طرف مقابل باشد. باید کاملا مراقب نقشه‌های دشمن آمریکایی و صهیونی بود، به همین جهت قالیباف در نطق خود به این موضوع اشاره و باز تاکید کرد که هم مذاکره می‌کنیم و هم می‌جنگیم. می‌جنگیم چون در مقابل این حجم از عملیات روانی، افزایش آمادگی نظامی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت چانه‌زنی ایفا کند، بنابراین، قدرت سخت نظامی در واقع سدی محکم می‌سازد تا تهدیدهای روانی دشمن اثرگذاری خود را از دست بدهد. در همین راستا، مواضع اخیر فرماندهان سپاه و تاکید سردار ایرج مسجدی، معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس سپاه بر این نکته که در صورت هرگونه اقدام زمینی یا نظامی آمریکا، ایران و جبهه مقاومت قدرتمندانه وارد عرصه نبرد شده و دشمن را شکست می‌دهند، دقیقا همان ضمانت اجرایی است که جنگ شناختی دشمن را خنثی می‌کند. این سطح از قاطعیت، به دشمن می‌فهماند، تهدیدهای روانی نمی‌تواند جایگزین واقعیت‌های میدانی شود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت؛ وقتی دشمن در جبهه‌های نظامی و اقتصادی به بن‌بست می‌رسد، سراغ کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین راه، یعنی نفوذ به ذهن‌ها می‌رود. اما مقابله با این تهدید، نیازمند راهبرد جامع و همه‌جانبه است. از یک سو، اتکا به قدرت بازدارنده و اراده نبردی که توسط جبهه مقاومت تبیین شده است، دشمن را از هرگونه اقدامی بازمی‌دارد، اما از سوی دیگر، همان‌طور که کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای تاکید می‌کنند، پیروزی در این میدان نیازمند تبیین دقیق روایت‌ها است.



فاطمه نوری‌جهانگرد، آگاه مسائل رسانه گفت: «در گذشته شعار رسانه‌ها «سرعت، صحت و دقت» بود، اما در زیست‌بوم امروزی، صحت و سرعت باید کاملا همزمان و تفکیک‌ناپذیر پیش بروند؛ چرا که اگر خبر صحیح دیر منتشر شود، روایت اولیه ناقص یا نادرست جایگزین آن خواهد شد و تغییر برداشت‌های اولیه مخاطب بسیار دشوار خواهد بود. تنها در صورتی می‌توان بر این جنگ (جنگ شناختی) فائق آییم که فضای خبری را با واقعیت‌ها پر کنیم، چرا که خلأ اطلاعاتی، بهترین بستر را برای رشد اخبار جعلی و مدیریت ذهنی جامعه از سوی دشمن فراهم می‌کند.

وی با مقایسه ساختار گذشته و امروز رسانه‌ها گفت: در دهه‌های قبل پیام‌ها به‌صورت یک سویه و بدون بازخورد سریع به مخاطبان تزریق می‌شد، اما امروزه پایایی و اثربخشی حتی رسانه‌های رسمی، منوط به ارتباط تعاملی، شناخت مخاطب و ارائه نسخه‌های آنلاین و مخاطب‌محور است. رسانه‌ای که ذائقه و نیاز فکری جامعه هدف خود را به‌درستی نشناسد، در رقابت جذب بازدید و حفظ سرمایه اجتماعی ناکام خواهد ماند.

عضو انجمن سواد رسانه‌ای ایران در تشریح راهبردهای رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه تصریح کرد: این شبکه‌ها به جای پایبندی به رسالت اطلاع‌رسانی، به دنبال تحریک احساسات، خشم و اضطراب آنی در جامعه هستند؛ آنها لابه‌لای داده‌های درست و نادرست، زیرنویس‌ها و تصاویر هیجانی پخش می‌کنند تا افکار عمومی را در همان لحظه با اهداف سیاسی خود همراه سازند، هرچند این قبیل رویکردهای زودگذر و فاقد استناد، اثر ماندگاری در ذهن جامعه برجای نمی‌گذارند. نوری با اشاره به ابعاد فعالیت شهروند خبرنگاران، گفت: بهره‌برداری از گزارش‌های مردمی پدیده‌ای رایج است، اما مخاطب باید هوشیار باشد که خط مشی پشت این رویکرد چیست، چرا که این رسانه‌ها غالبا بر مشکلات زیستی و دغدغه‌های اقتصادی دست می‌گذارند تا با پیوند زدن اخبار به زندگی روزمره، بزرگ‌نمایی نواقص را رقم بزنند و روایت‌های امیدبخش یا پیشرفت‌های واقعی را نادیده بگیرند. فلذا با توجه به نظر صاحب نظران و کارشناسان باید بستری فراهم شود تا تمامی ظرفیت‌های رسانه‌ای و نخبگان جامعه، هریک در سطح خود، حقیقت را تبیین کنند. پیروزی در جنگ شناختی زمانی حاصل می‌شود که آگاهی مردم با قدرت نظامی گره بخورد و روایت‌های بومی و متنوع، جایگزین روایت‌های تحمیلی دشمن شود؛ تنها در این حالت است که خلأ اطلاعاتی پر شده و سدی در برابر تهاجم شناختی دشمن ایجاد می‌شود.

کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «آگاه» درباره سردرگمی ترامپ در منطقه و نحوه تقابلش با ایران می‌گوید
همگرایی منطقه‌ای، سپر تحریم‌ها

آمریکا و رژیم صهیونی فقط به دنبال درگیری و تنش میان کشورهای منطقه هستند، اما همگرایی هرچه بیشتر میان آنان تیری خواهد بود که به قلب دشمن زده خواهد شد و برنامه‌ها و توطئه‌هایشان را خنثی خواهد کرد. آمریکا، غربی‌ها و اسرائیل اشغالگر گمان می‌کنند با تحریم، تهدید و فشار، پارازیتی بین همگرایی منطقه‌ای ایجاد می‌شود، اما برخی کشورها در دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه موضع دیگری اتخاذ کردند، موضعی که اصلا به مذاق آمریکایی‌ها خوش نمی‌آمد. کار به اینجا ختم نشد و نهادی همچون بریکس تهاجم به «جمهوری اسلامی» را محکوم کرد و همه اینها پیامی به همراه دارد؛ اگر همسایگان و متحدان دست به دست هم دهند یا وه‌گویی‌های سران آمریکا هیچ خللی را در همکاری‌های آنها ایجاد نخواهد کرد. حال وزیر خزانه‌داری آمریکا برای ایران خط و نشان بکشد. به کجا خواهند رسید؟!

رمضانعلی سبحانی فر در گفت‌وگو با «آگاه» با بیان اینکه کشورهای منطقه با ایجاد انسجام و همگرایی می‌توانند در برابر جنگ‌های اقتصادی و فشارهای امروز که عمدتا از سوی آمریکا و اروپا اعمال می‌شود، استقامت بیشتری داشته باشند، گفت: هدف غربی‌ها از استفاده از ابزار فشار اقتصادی و تهدید امنیت غذایی مردم، دامن زدن به تحرکات داخلی و در نهایت فشار بر حاکمیت‌های ناهمسو برای تغییر رفتار آنهاست.

وی افزود: اعضای بریکس می‌توانند با بهره‌گیری از زیرساخت‌های ارتباطی زمینی، ریلی و دریایی، اثرات تحریم‌های اعمال‌شده علیه کشورهایی نظیر ایران و روسیه را خنثی کنند. این همکاری‌های چندجانبه، مسیر دستیابی به استقلال اقتصادی و پایداری در تامین نیازهای اساسی این کشورها را هموار می‌کند.

عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه با بیان اینکه امروز خود آمریکا نیز دریافته است که در این منطقه، برخلاف سایر نقاط جهان مانند ونزوئلا، نتوانسته با تکیه بر ابزار تحریم و فشارهای اقتصادی به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابد، اظهار کرد: عامل اصلی این ناکامی، هم‌افزایی ظرفیت‌های موجود در منطقه است. همگرایی که ناشی از عوامل متعددی همچون همسایگی، اشتراکات فرهنگی، زبانی و پیوندهای مذهبی و مسلکی است که بخش عمده‌ای از کشورهای مسلمان را در یک بلوک واحد قرار داده است.

سبحانی فر با بیان اینکه این پیوندها تاثیر بسزایی دارند، هرچند ممکن است حاکمان برای پرهیز از گزند آمریکا و اروپا، در ظاهر با این روند مخالفت کنند، اما آنچه در عمل و در میدان اتفاق می‌افتد، متفاوت است، گفت: بخشی از این همگرایی فراتر از تصمیمات حاکمیتی است و از طریق مردم صورت می‌گیرد. حجم رفت و آمدها و تعاملات میان مردم ایران، عراق، افغانستان و ترکیه نشان می‌دهد که این ارتباطات حتی اگر با ممانعت حاکمان نیز همراه باشد، متوقف نمی‌شود.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا اقدامات آمریکا از سوی مجامع بین‌المللی جنایت جنگی محسوب نمی‌شود؟ گفت: ساختار مجامع بین‌المللی به گونه‌ای است که بخش عمده‌ای از اعضای آن را دولت‌های وابسته یا دست‌نشانده غرب، به‌ویژه آمریکا و انگلیس، تشکیل می‌دهند، البته باید میان رویکرد این حاکمان و خواست ملت‌ها تفاوت قائل شد. در سراسر دنیا شاهد اقدامات وحشیانه این رژیم‌ها در حمله به مدارس، مراسم و جشن‌ها و کشتار مردم هستیم که با انزجار شدید و واکنش منفی افکار عمومی مواجه شده است؛ بنابراین، یک بخش این مسئله به وابستگی این حاکمان برمی‌گردد.

آگاه مسائل سیاسی اضافه کرد: حتی اگر برخی حاکمان، وجدان بیداری داشته باشند به دلیل نگرانی از فشارهای کشورهای غربی، تن به این نمی‌دهند که به‌طور رسمی اقدامات آمریکا را جنایت جنگی اعلام کنند و علیه آن رأی دهند چرا که به‌طور طبیعی تحت تاثیر این تهدیدها قرار دارند. محاسبات آمریکایی‌ها اینگونه بود که با اعمال فشار و محاصره اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران فلج شده و مردم در تنگنا قرار می‌گیرند تا در نهایت علیه نظام شورش کنند. با این حال، این سناریوی طراحی‌شده ناکام مانده است.



سبحانی‌فر افزود: عصبانیت و سردرگمی امروز آنها ناشی از همین شکست است. آنها گاهی به کشتی‌های تجاری و گاهی به مراکز اداری حمله می‌کنند، اما چون می‌بینند این اقدامات ایذایی نیز بی‌اثر است، در انتخاب راهبردی که بتواند مردم را علیه نظام به صحنه بیاورد، سردرگم مانده‌اند.

وی با بیان اینکه آمریکایی‌ها به تجربه دریافته‌اند که وقتی مردم همراه نظام باشند، هیچ موفقیتی در گزینه نظامی نخواهند داشت چراکه تسخیر کشوری پهناور با جمعیت ۹۰ میلیونی، نیازمند نیروی نظامی عظیمی است که عملا امکانپذیر نیست، تصریح کرد: از همین رو است که آنها در انتخاب روش مقابله، یعنی میان گزینه نظامی یا اقتصادی، سردرگم مانده‌اند؛ گاهی دست به محاصره اقتصادی می‌زنند، گاهی شرکتی را تحریم می‌کنند و گاهی با هدف قرار دادن کشتی‌ها یا مجامع عمومی می‌خواهند مردم را عصبانی کنند تا در برابر نظام موضع بگیرند، اما در نهایت می‌بینند که هیچ‌کدام از این اقدامات کارساز نیست.

عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه گفت: به نظر می‌رسد ترامپ نیز دچار سردرگمی شده و علت آن این است که تصمیم‌گیرنده اصلی خودش نیست، رژیم صهیونیستی برای او تصمیم‌سازی می‌کند. صهیونیست‌ها یک روز به او پیشنهاد می‌کنند که با ترور مقامات، مردم را به شورش وادارند، روز دیگر از مرزهای غربی صحبت می‌کنند و روزی دیگر فشار اقتصادی را پیشنهاد می‌دهند؛ به بیان دیگر، ترامپ به آلت دست صهیونیست‌ها تبدیل شده و در تعیین مسیر درست برای کسب موفقیت، کاملا سردرگم است.



رئیس قوه قضاییه:
مدال‌های ناگویا گواهی بر شکست سیاست‌های دشمن متجاوز است

دولت فرانسه با شدت در حال سرکوب اعتراضات دانش‌آموزی است

مشت آهنین الیزه بر سر نوجوانان

دولت فرانسه دهه‌هاست تلاش دارد تا خود را دولتی مدافع آزادی نشان دهد؛ اما چند سالی است که تشت رسوایی فرانسوی‌ها از بام افتاده و جهانیان فهمیده‌اند این دولت تا چه حد خشن است و در قبال هر اعتراضی، سنگین‌ترین مشت آهنین را رو می‌کند. از ماجرای جلیقه زردها در سال ۲۰۱۹ تا همین جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی فعلی؛ الیزه هر صدای مخالفی را به شدیدترین وجه، سرکوب می‌کند.



پاریس که همواره خود را قبله‌گاه دموکراسی و آزادی بیان معرفی می‌کرد، اکنون در مواجهه با کوچک‌ترین انتقاد داخلی، پرده از چهره دیکتاتورمآبانه خود برداشته و نشان داده است که دموکراسی فرانسوی، تنها تا زمانی محترم است که در خدمت منافع الیزه باشد. آنچه امروز در خیابان‌های فرانسه علیه دانشجویان و دانش‌آموزان معترض شاهد هستیم، ترجمه عملی استبدادی است که زیر لوای حقوق بشر پنهان شده؛ گویی در منطق پاریس، آزادی بیان تنها به معنای حق توهین به مقدسات است، نه اعتراض به سیاست‌های ظالمانه حاکمیت.

دانشجویان و دانش‌آموزان معترض فرانسوی، هیچ چیز جز حقوق اولیه و بدیهی خود نمی‌خواهند. یکی از دانش‌آموزان معترض فرانسوی می‌گوید: ما فقط می‌خواهیم معلم و کتاب داشته باشیم تا بتوانیم دیپلم بگیریم. ۶ ماه است معلم نداریم. حضور ۳۵ نفر در یک کلاس در گرمای تابستان غیرممکن است. اینها ابتدایی‌ترین خواسته‌ها و مطالبات است که حتی در فقیرترین کشورها نیز به آنها پاسخ مدنی داده می‌شود؛ اما پاسخ دولت فرانسه به این مطالبات ساده و بدیهی، سرکوب و مشت آهنین و پلیسی است.

ورشکستگی اخلاقی پاریس

چرخش ۱۸۰ درجه‌ای مواضع دولت فرانسه در قبال اعتراضات، درس عبرتی است برای کسانی که غرب را الگوی آزادی بی‌قید و شرط می‌پنداشتند؛ پاریس همان‌قدر که در امور داخلی سایر کشورها به بهانه حمایت از معترضان دخالت می‌کند، در برابر صدای ملت خودش، دست به شمشیر است. تفاوت ماهوی نگاه کاخ الیزه به اعتراضات، سندی آشکار بر ورشکستگی اخلاقی سیستم سیاسی فرانسه است؛ جایی که اغتشاش و کشتن پلیس در کشورهای مستقل، جنبش مدنی نامیده می‌شود، اما صرف اعتراض در خاک فرانسه، اخلال در امنیت ملی تلقی شده و با باتوم و گاز اشک‌آور پاسخ داده می‌شود. جنبش اعتراضی دانش‌آموزان فرانسوی که با اعتراضات صنفی و آموزشی متولد شد و نضج گرفت، اکنون در قامت یک بحران جدی برای دولت سباستین لوکورنو قد علم کرده است. این موج ناآرامی که در کمتر از دو هفته از حاشیه‌های پاریس به سراسر فرانسه تسری یافته، علاوه بر تعطیلی گسترده مدارس، به عرصه‌ای برای تقابل فیزیکی با پلیس سرکوبگر فرانسه بدل شده است. کمتر از دو هفته زمان لازم بود تا مطالبات به حق دانش‌آموزان فرانسوی در حومه پاریس، به طوفانی سراسری بدل شود که حالا لرزه بر اندام دولت فرانسه انداخته است. سرایت این ناآرامی‌ها به صدها مرکز آموزشی و تبدیل شدن اعتراضات صنفی به تقابل‌های خشن و میدانی، نشان‌دهنده عمق شکاف میان نسل جوان و دستگاه حاکمه‌ای است که حتی تاب تحمل مطالبات دانش‌آموزی را ندارد.

اعتراض به فقدان بدیهیات

ریشه این اعتراض‌ها به حدود دو هفته قبل بازمی‌گردد؛ زمانی که دانش‌آموزان یک دبیرستان در حومه پاریس اعتراض خود را آغاز کردند. مطالبات اولیه چندان پیچیده نبود؛ کمبود معلم، کلاس‌های شلوغ، فرسودگی ساختمان‌های آموزشی، برنامه‌های درسی سنگین و نگرانی درباره آینده تحصیلی و سازوکار پذیرش دانشگاهی. اما مسئله‌ای که شاید در ابتدا یک اعتراض صنفی و آموزشی به نظر می‌رسید، خیلی سریع از محدوده یک مدرسه فراتر رفت. روز پنج‌شنبه بیش از هزار دبیرستان در سراسر فرانسه درگیر اعتصاب، تجمع یا اعتراض بودند و حدود یک چهارم دبیرستان‌های این کشور به نوعی تحت تاثیر این تحولات قرار گرفتند. روز جمعه نیز بیش از ۴۰۰ مدرسه تعطیل یا فعالیت آموزشی آنها مختل شد. اعتراض‌ها به دانشگاه‌ها نیز سرایت کرد و شماری از مراکز دانشگاهی درگیر تجمع یا تعطیلی شدند. با گسترش اعتراض‌ها، چهره جنبش نیز تغییر کرد. در کنار تجمع‌های مسالمت‌آمیز و مطالبات آموزشی، در برخی شهرها درگیری با پلیس نیز گزارش شد؛ علت این امر نیز شدت عملی بود که پلیس در ابتدا در قبال معترضان انجام داد.

شلیک پلیس به صورت نوجوان

در جریان اعتراضات اخیر در فرانسه، انتشار ویدئو شلیک پلیس فرانسه به صورت نوجوان معترض، خشم معترضان فرانسوی را افزون کرد و آنان بر دامنه اعتراضات خود افزودند. در همین راستا، وزیر کشور فرانسه گفت: از روز دوشنبه تاکنون بیش از پنج هزار نفر در جریان اعتراضات فرانسه دستگیر شده‌اند. حدود ۸۵ درصد از دستگیرشدگان افراد زیر سن قانونی و بیشتر آنها دانش‌آموزان مدرسه‌ای بودند. یکی دیگر از تصاویری که از اعتراضات اخیر در فرانسه، بسیار وایرال شد، صحنه حمله یک نیروی لباس شخصی به چند دانش‌آموز معترض پناه گرفته در یک مغازه بود. ویدئوی فوق صحنه‌ای تعجب‌برانگیز اما واقعی از برخوردهای خیابانی در فرانسه را نشان داد. پس از حمله پلیس ضد شورش، تعدادی از دانش‌آموزان و معترضان نوجوان به داخل یک فست‌فود پناه می‌برند. در ادامه یک نیروی لباس شخصی در برابر چشمان نیروهای گارد، تلاش می‌کند با ابزار ضربتی شیشه مغازه را بشکند تا وارد پناهگاه معترضان شود. برخلاف تصویرسازی‌های رسانه‌ای، بهره‌گیری از ماموران بدون یونیفرم برای نفوذ، تخریب یا گشودن مسیر بازداشت، از تکنیک‌های متداول پلیس فرانسه است. آسیب زدن به ملک یک کاسب و مغازه‌دار برای دستگیری چند معترض محصور شده، تناقض جدی با ادعای حفاظت از اموال عمومی دارد. بازنمایی این رفتار در غیاب واژگان خشن رسانه‌ای، نشان می‌دهد که چگونه یک رفتاری واحد، بسته به جغرافیا، می‌تواند سرکوب وحشیانه یا دستور پلیسی ساده، تیتر زده شود!

سرکوب بی‌رحمانه

به طور کلی، پوشش گسترده اعتراضات فراگیر دانش‌آموزی در سراسر فرانسه و مواجهه خشن نیروهای پلیس با معترضان زیر سن قانونی، موج جدیدی از نگرانی‌های بین‌المللی و انتقادهای تند حقوق بشری را برانگیخته است. این بحران که از اواخر سپتامبر ۲۰۲۶ کلید خورده و در روزهای اول و دوم اکتبر به اوج خود رسید، دکترین سخت‌گیرانه آنچه حفظ نظم عمومی در فرانسه خوانده می‌شود را نشان داد و سابقه نهادهای نظارتی این کشور را بار دیگر زیر ذره‌بین سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌های تحلیلی قرار داده است.

آنچه واضح است آن است که الگوی مواجهه دولت فرانسه با خشم عمومی تغییر نکرده است؛ تبدیل یک اعتراض ملموس اجتماعی به یک بحران امنیتی از طریق تاکتیک‌های تهاجمی؛ همانند اعتراضات جلیقه‌زردها و جنبش ضد اصلاحات قانون بازنشستگی در سال ۲۰۲۳، پلیس فرانسه در قبال دانش‌آموزان معترض نیز از تاکتیک محاصره خشن، بازداشت‌های گسترده پیشگیرانه پیش از وقوع جرم و استفاده از سلاح‌های فلش‌بال استفاده کرده است. حقوقدانان بین‌المللی هشدار می‌دهند الگوی سرکوبی که زمانی برای کنترل بزرگسالان در جنبش جلیقه‌زردها شکل گرفته بود، اکنون بدون تعدیل روی نوجوانان دانش‌آموز فرانسوی پیاده می‌شود.

دولت فرانسه نشان داده که در برخورد با مخالف‌ها، فرقی میان نسل‌ها قائل نیست؛ همان منطق سرکوب بی‌رحمانه‌ای که در سال‌های گذشته علیه جلیقه‌زردها به کار گرفته شد، اکنون با نسخه‌ای بازسازی شده و حتی بی‌رحمانه‌تر، در تقابل با دانش‌آموزان معترض به کار می‌رود. آنچه در خیابان‌های فرانسه شاهد آن هستیم، یک واکنش مقطعی نیست، بلکه بازگشت به یک دکترین امنیتی ثابت است؛ دکترین کنترل اجتماعی که در آن، حق اعتراض همواره با ابزار بازداشت‌های پیشگیرانه و خشونت پلیس خفه می‌شود!

سخنگوی وزارت امور خارجه:

اگر مجددا از خاک همسایه حمله شود، پاسخ ما متفاوت خواهد بود

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه دیروز یک شنبه ۱۲ مهر در نشست خبری با اصحاب رسانه به بیان تازه‌ترین دیدگاه‌ها، تصمیمات و اقدامات وزارت امور خارجه پرداخت.

بقایی در جریان نشست خبری دیروز خود تاکید کرد که ارسال پاسخ‌های صریح و مقتدرانه ایران به پیشنهادهای طرف آمریکایی از طریق میانجی قطری در دوحه، ناکامی واشنگتن در انحراف مسیر گفت‌وگوها به سمت مباحث هسته‌ای را آشکار ساخت.

وی بیان داشت: موضع قاطع تهران بر این اصل استوار است که بازگرداندن امنیت به تنگه هرمز تنها با گام‌های عملی آمریکا نظیر توقف کامل اخلال در دریانوردی تجاری ایران، لغو تمام تحریم‌های یک‌جانبه و اخیرو پایان دادن به مداخلات نظامی محقق می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با نفی زیاده‌خواهی‌های استکبار، شرط اصلی هرگونه تفاهم را تمکین کامل آمریکا به تعهدات و حقوق مشروع ملت ایران می‌داند.

بقایی همچنین گفت که اگر در آینده باز هم شاهد حمله به ایران از خاک کشورهای همسایه باشیم قطعا به شیوه‌ای متفاوت پاسخ داده خواهد شد.

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره حضور نخست وزیر رژیم صهیونیستی در امارات و هشدار وزارت امور خارجه درباره رویکرد فتنه‌انگیز این رژیم در منطقه گفت: توصیه ما به همه کشورهای همسایه این است که حق همسایگی را به جا آورند. ما به اصل همجواری پایبند هستیم و متقابلا انتظار داریم کشورهای همسایه نیز این اصل را رعایت کنند و اجازه ندهند امکانات و قلمرو آنها مورد سوءاستفاده طرف‌هایی قرار بگیرد که در عمل نشان داده‌اند هیچ ارزشی برای امنیت و رفاه کشورهای منطقه قائل نیستند.

وی افزود: گلایه مندی خود را به سرعت و به وضوح به کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهایی که در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی خاک و امکانات خود را در اختیار آنها قرار دادند، اعلام کردیم. این مطالبه‌ای است که از هر فرصتی برای بیان آن استفاده می‌کنیم و مسئولیت بین‌المللی آنها را به‌دلیل مشارکت در اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی گوشزد می‌کنیم. در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد با تقریبا همه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دیدار و گفت‌وگوهای خوبی انجام شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به آزادی تعدادی از هموطنان ایرانی از زندان در امارات گفت: جا دارد به یک مورد مهم نیز اشاره کنم و آن آزادی تعدادی از هموطنانمان است که شنبه شب انجام شد. این موضوع برای ما ارزشمند است و جا دارد از مقامات اماراتی به خاطر همکاری در این زمینه تشکر کنیم. این یکی از موضوعاتی بود که در حاشیه اجلاس مجمع عمومی با طرف اماراتی مطرح شد. امیدواریم بقیه ایرانیانی که در بند هستند نیز هرچه سریع‌تر آزاد شوند.

بقایی تاکید کرد: موضوع سوءاستفاده رژیم صهیونیستی از امکانات کشورهای منطقه برای ناامن‌سازی منطقه و تعرض نظامی علیه ایران، موضوعی است که حتما باید مورد توجه ویژه کشورهای منطقه قرار بگیرد. نباید به هیچ عنوان اجازه دهند امکانات آنها مورد استفاده رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار بگیرد. این هم یک مطالبه حقوقی و بین‌المللی و هم توقعی است که به عنوان یک کشور همسایه از همه کشورهای همسایه داریم.

خبرسازی آمریکایی

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه یکی از رسانه‌های آمریکایی ادعا کرده است که دو عضو هیات ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، روز شنبه از آمریکا اخراج شدند؛ آیا چنین خبری درست است و اگر نه؛ چرا آمریکا از حضور و سفر و رفت و آمد مقامات ایران به سازمان ملل تا این اندازه سناریوهای متفاوت طراحی و منتشر می‌کند؟ گفت: به نظرم دنبال دستاوردسازی با دروغ هستند و آنچه ادعا کردند، کذب محض است. در سفرما، هم ورودمان به آمریکا و هم خروجمان، از ابتدا اطلاع‌رسانی شده و مشخص بود. همچنین مشخص بود که هیات وزیر محترم در چه تاریخی نیویورک را ترک می‌کند.

وی ادامه داد: درباره دو نفر دیگری هم که اشاره کردند، یکی از دیپلمات‌های ما قرار بود چند روز دیگر برای انجام وظایفش در نیویورک بماند. به دلیل فشارهایی که وارد کردند، بله، آن دیپلمات نیویورک را ترک کرد اما در سایر موارد، طبق برنامه‌ریزی که از قبل انجام شده بود، نیویورک را ترک کردیم. بقایی با اشاره به اینکه این خود اعترافی به نقض تعهدات توسط دولت میزبان است، خاطرنشان کرد: این موضوع اصلا افتخاری ندارد که آمریکا جار بزند که تعهداتش را نقض کرده و به تعهدات خود پایبند نبوده است. این موضوع صرفا ثابت می‌کند که آنها میزبان شایسته‌ای برای سازمان ملل متحد نیستند. اما نکته مهم این است که گویا آمریکا، پس از اینکه موفق نشد مانع شرکت هیات ایرانی در سازمان ملل متحد شود و نتوانست برنامه خودش را برای القای انزوای ایران اجرا کند، به چنین خبرسازی‌های بسیار سخیفی روی آورده است که به نظرم ارزش پرداختن هم ندارد.

ماجرای کمیته ۶ نفره

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش که رئیس جمهور در یکی از مصاحبه‌های خود در حاشیه حضور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به وجود یک کمیته ۶ نفره برای تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی اشاره کرد، جزئیات بیشتری درباره این موضوع بفرمایید؛ چه کسانی عضو این کمیته هستند، سازوکار آن به چه صورت بوده و چگونه تصمیم‌گیری می‌کند؟ گفت: این کمیته ۶ نفره بخشی از شورای عالی امنیت ملی است که از چند ماه قبل، مسئولیت بررسی و رسیدگی متمرکز به موضوعات مرتبط با مذاکرات را بر عهده دارد. وزیر محترم امور خارجه نیز یکی از اعضای این کمیته ۶ نفره هستند که زیر نظر شورای عالی امنیت ملی فعالیت می‌کند.

ورود به موضوع هسته‌ای، ممنوع!

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره ادعای برخی منابع مبنی بر اینکه ایران در پیشنهاد خود به آمریکا، موضوع بازرسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سایت‌های هسته‌ای را در ازای کاهش تحریم‌های اقتصادی مطرح کرده است، گفت: خیر، اصلا چنین بحثی مطرح نشده است. ما اساسا وارد بحث هسته‌ای در ازای تحریم نشدیم. وظیفه ما این بود که شروط خود را ابلاغ کنیم و این شروط را در قالب طرحی که موسوم به طرح هفت‌روزه شد، به میانجی‌ها منعکس کردیم و آنها نیز قاعدتا کار خود را در انتقال آن به طرف آمریکایی انجام دادند. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره دیدار رئیس جمهور با نخست وزیر لبنان و اینکه این کشور درخواست‌هایی درباره سفیر ایران در لبنان داشته و خواستار تغییر سفیر ایران شده است؛ گفت: دیدار بسیار خوبی بین رئیس جمهور محترم و همتای لبنانی، نخست‌وزیر لبنان، برگزار شد. در مورد موضوع سفیر ایران در بیروت نیز قبلا توضیح داده‌ایم. سفیر ایران تایید خود را از قبل دریافت کرده بود توسط مقام لبنانی. در این جلسه نیز یکی از موضوعاتی که درباره آن بحث شد، روابط دیپلماتیک ایران و لبنان و موضوع سفارت بود؛ مواضع‌مان را بیان کردیم. وی ادامه داد: آنچه مسلم است در خود لبنان نیز اجماع نظر درباره این موضوع وجود ندارد، اما به هر حال آنچه برای ما مهم است، این است که سعی کنیم سوءتفاهم‌هایی را که درباره این موضوع به وجود آمده است، از طریق گفت‌وگو با مقام‌های لبنانی حل کنیم.

دشمن، دیپلماسی گریزاست

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره عبور نفتکش‌های عراق و الجزایر از تنگه هرمز و اینکه آیا مجوزهای صادرشده برای عبور کشتی‌ها شامل دیگر کشورهای دوست ایران در منطقه نیز خواهد شد و همچنین وضعیت طرح ایران به عنوان آخرین فرصت دیپلماسی پیش از رویارویی احتمالی مجدد نظامی با آمریکا گفت: سوال اصلی این است که چه اقدامی انجام دهیم تا تنگه هرمز و کل منطقه خلیج فارس و دریای عمان را امن کنیم. کلید این مسئله در توقف اقدامات تجاوزکارانه و مداخله‌جویانه آمریکا است، چرا که اساسا ناامن شدن تنگه هرمز پس از حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد.

وی ادامه داد: درباره اینکه طرح ایران الان در چه وضعیتی قرار دارد، ما هیچ‌گاه از دیپلماسی رویگردان نبوده‌ایم. با اینکه آقای دکتر عراقچی هم اشاره کردند شاید هیچ دلیلی وجود نداشته باشد که دوباره دیپلماسی را با طرف‌هایی که هیچ تعهدی به اجرای تکالیف خود نشان نداده‌اند، امتحان کنیم، با وجود این، رویکرد ایران همیشه این بوده که از هر فرصتی، ولو اینکه احساس کنیم شانس زیادی ندارد، برای استفاده از ابزار دیپلماسی جهت جلوگیری از تشدید تنش و تحقق صلح استفاده کنیم. این رویکرد ماست، اما واقعیت این است که تجربه پیشین و رویکردهای طرف آمریکایی نشان می‌دهد که طرف مقابل جدیتی برای استفاده از ابزار دیپلماسی ندارد.

عراقچی خطاب به سفرای مقیم ایران:

دشمن حمله کند، محکم‌تر از قبل پاسخ می‌دهیم



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان صبح یک‌شنبه ۱۲ مهر، در دیدار با سفرا، کاردااران و روسای نمایندگی‌های خارجی و بین‌المللی مقیم تهران، با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران هم در دفاع از خود و هم در پیشبرد دیپلماسی جدی و محکم است، تاکید کرد: اگر دشمنان بار دیگر مسیر برخورد نظامی را در پیش بگیرند، با پاسخی محکم‌تر از گذشته مواجه خواهند شد و در مقابل، ایران همچنان برای دستیابی به راه‌حلی عادلانه و شرافتمندانه از مسیر دیپلماسی آماده است.

عراقچی در ابتدای این نشست گفت: قبل از هر چیز باید از همه شما که دیدارهای بنده و آقای رئیس‌جمهور را در نیویورک تنظیم کردید، تشکر کنم. من با ۴۲ وزیر امور خارجه در نیویورک ملاقات داشتم. آقای رئیس جمهور نیز با تقریبا ۱۰ نفر از سران کشورهای مختلف دیدار داشتند و همه اینها با زحماتی بود که شما کشیدید و هماهنگی‌هایی که انجام دادید. از شما تشکر می‌کنم.

وی بیان داشت: حضور هیات جمهوری اسلامی ایران در نیویورک امسال یک حضور بسیار قوی و بسیار موثر بود. ما علاوه بر دیدارهای بسیار متعددی که تعدادش را عرض کردم، مصاحبه‌های زیادی داشتیم، سخنرانی رئیس جمهور در مجمع عمومی و سخنرانی‌های دیگری که بنده در جلسات جنبی مجمع عمومی داشتم، ملاقات‌ها و دیدارهایی که رئیس جمهور محترم و بنده با برخی از اصحاب فکر و اندیشه و نخبگان سیاسی در نیویورک داشتیم و از همه اینها مهم‌تر، طرحی که جمهوری اسلامی ایران امسال ارائه کرد در خصوص حل‌وفصل اختلافات موجود و جنگ جاری بین ایران و آمریکا؛ طرحی که موسوم به طرح هفت‌روزه است و اگر مورد پذیرش واقع شود، در عرض هفت روز تنگه هرمز مجددا بازگشایی خواهد شد.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: حضور جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی امسال، حضوری بسیار موثر و فعال بود. در حقیقت، فضای سیاسی حاکم بر نیویورک در سال جاری متاثر از طرح ایران و حضور بسیار گسترده جمهوری اسلامی ایران بود و برای همگان مشخص شد که جمهوری اسلامی ایران همچنان در راستای دیپلماسی و یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز جدی است.

وی گفت: همان‌طور که در دفاع از خود جدی هستیم، در هر دو عرصه دفاع از خود و پیشبرد دیپلماسی نیز محکم و جدی هستیم. اگر دشمنان ما بار دیگر مسیر برخورد نظامی را در پیش بگیرند، پاسخی محکم‌تر از گذشته دریافت خواهند کرد و ما قوی‌تر از گذشته از خود دفاع خواهیم کرد. در مقابل، اگر به دنبال راه‌های دیپلماتیک باشند، ما همچنان آماده‌ایم تا از مسیر دیپلماسی به یک راه‌حل عادلانه و شرافتمندانه برای پایان این جنگ دست پیدا کنیم.

عراقچی عنوان کرد: ما به صراحت مواضع خود را توضیح دادیم. میزان علاقه کشورهای مختلف برای دیدار با جمهوری اسلامی ایران، اطلاع از دیدگاه‌های ما و آگاهی از طرح ما، بسیار قابل توجه بود. تصوری که شاید برخی در آمریکا داشتند مبنی بر اینکه می‌توانند ایران را به یک کشور منزوی تبدیل کنند، کاملا شکست خورده بود و ایران به عنوان کشوری مقتدر و مورد احترام جامعه جهانی، در نیویورک به ایفای نقش پرداخت و نشان داد که همچنان از مواضع منطقی برخوردار است و هم برای جنگ راه‌حل دارد و هم برای صلح راه‌حل دارد.

وی افزود: این نکته‌ای که از سوی آمریکایی‌ها مطرح شد مبنی بر اینکه هیات ایرانی را اخراج کرده‌اند، صرف نظر از اینکه چقدر صحت دارد یا ندارد، قابل توجه است؛ زیرا ما طبق برنامه از پیش تعیین شده خودمان به نیویورک رفتیم و بازگشتیم. اما این ادعا از سوی طرف آمریکایی واقعا عجیب است. از یک طرف، آنها اعتراف می‌کنند که برخلاف تعهدات خود به عنوان میزبان سازمان ملل متحد عمل کرده‌اند و میزبان شایسته‌ای برای سازمان ملل نیستند و از طرف دیگر، نشان دادند که چقدر از حضور هیات ایرانی در آمریکا عصبانی شده‌اند؛ دقیقا مانند اینکه میزبان بازی‌های المپیک، وقتی تیمش شکست می‌خورد، ورزشکاران یک تیم دیگر را از کشور اخراج کند. این رفتار به همین اندازه بچگانه و سخیف است.

شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز

وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: دیپلمات‌های ما در مجمع عمومی حضور بسیار درخشانی داشتند. ما در همه عرصه‌ها حضور داشتیم، صدای مردم ایران را به گوش جهان رساندیم و پیام مردم ایران برای صلح و اتخاذ راه‌حل‌های منطقی و مسالمت‌آمیز را به دنیا منتقل کردیم. ما شرط‌های خود را برای بازگشایی تنگه هرمز به‌وضوح برای همه توضیح دادیم. همه این شروط منطبق با تعهداتی است که آمریکا باید بپذیرد.

عراقچی بیان داشت: در این سفر، ملاقات‌هایی که با کشورهای همسایه، به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس داشتیم، بسیار موثر، محترمانه و دوستانه بود. ما مسیر جدیدی برای ایجاد اعتماد میان کشورهای همسایه و جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌ایم و به‌خصوص در حوزه خلیج فارس، این مسیر را به خوبی طی می‌کنیم. برادران و خواهران ما در حوزه خلیج فارس در این مسیر با ما همراهی دارند و اراده مشترکی برای ایجاد صلح، ثبات و امنیت در منطقه خلیج فارس، با مشارکت خود کشورهای منطقه، شکل گرفته است که اکنون به‌طور جدی دنبال می‌شود.

وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: اعتراف دبیرکل ناتو مبنی بر مشارکت کشورهای اروپایی در جنگ آمریکا علیه ایران، اعتراف سنگینی بود. ایشان به‌صراحت گفت که بیش از پنج هزار جنگنده آمریکایی برای حمله به ایران از پایگاه‌های موجود در اروپا به پرواز درآمدند و ما همچنان منتظریم کشورهای اروپایی به این پرسش پاسخ دهند که چرا در این جنگ علیه ایران مشارکت موثر داشتند. کشورهای اروپایی باید در رویکرد خود نسبت به ایران تجدیدنظر کنند.





میثم یزدی، عضو هیات علمی گروه نمایش و سینمای دانشگاه تهران:
تاریخ و تمدن ایران، «سرمایه نوستالژیک» ماست

حافظان و قاریان ایرانی وهابیت را خلع سلاح کردند



محمود لطفی‌نیا، قاری و داور بین‌المللی قرآن کریم، از خلع سلاح تبلیغات وهابیت توسط قاریان ایرانی خبر داد و گفت: حضور جوانان قرآنی در سرزمین وحی، نه تنها ذهنیت‌های مخدوش دشمنان درباره تشیع را اصلاح کرد، بلکه صدای قرآن ایرانی را به تفکر انقلاب و مقاومت پیوند زد.

وی با تاکید بر ضرورت سرمایه‌گذاری مسئولان و رسانه‌ها بر این حرکت نورانی، خاطرنشان کرد: امروز پرده‌های سانسور رسانه‌ای دریده شده و خبر حضور جوانان قرآنی ما در حج، بزرگ‌ترین تاثیر را در گرایش افکار عمومی جهان اسلام به سمت ایران اسلامی دارد.

لطفی نیا در خصوص تاریخچه شکل گیری کاروان قرآنی حج و تاثیرات راهبردی آن در عرصه بین‌الملل، اظهار کرد: این حرکت کاروان قرآنی حج از سال ۱۳۵۹ آغاز شد. بنده خودم برای اولین بار در سال ۱۳۶۱ و در سن ۱۷ سالگی مشرف شدم. حضور در این کاروان برای من جوان، انگیزه‌ای بسیار مثبت برای کسب نشاط بیشتر در حوزه فعالیت‌های قرآنی و رشد در فن قرائت قرآن ایجاد کرد. حج یک سفر معنوی بسیار قوی است و بر اساس روایات، ایمان را در درون یک مؤمن محکم و استوار می‌کند.

تدوین سیستم گزینش برای خنثی‌سازی شبهات وهابیت

قاری و داور بین‌المللی قرآن کریم با اشاره به اهداف غایی این کاروان در سال‌های نخستین انقلاب اسلامی افزود: تفکر حاکم بر این حرکت، استفاده از فضای عمومی جامعه مسلمانان جهان و از طریق دریچه قرآن برای ارائه شخصیت های ایمانی شیعیان بود؛ گروهی که دشمنان همواره تبلیغ می‌کردند قرآن آنها متفاوت است یا در آنها شبهه شرک وجود دارد. متاسفانه این تفکر شوم به عنوان وهابیت، از طریق انگلیسی ها به جامعه اسلامی تزریق شد و مقابل تفکر شیعی و ولایی قرار گرفت.

لطفی نیا ادامه داد: به هر حال جوانان انگیزه پیدا کردند تا در این حرکت حضور یابند. به تدریج این امر اوج گرفت و رشد کرد. من به یاد دارم در سال های اول که مشرف می شدیم، بزرگ ترین هجمه ای که از طریق مخالفین و وهابیت به ما می شد این بود که «شما اصلا قرآن‌تان چیز دیگری است، معتقدید این قرآن تحریف شده و شما مشرک هستید!» اما وقتی قرائت قرآن ما را می‌شنیدند، نظرشان تغییر می‌کرد؛ به طوری که حتی روی وهابی‌ها نیز تاثیرگذار بود و ما را به عنوان قاری قرآن محترم می‌شمردند.

قاری بین المللی قرآن کریم با بیان اینکه این تاثیرگذاری باعث شد در مسئولین نظام جمهوری اسلامی چنین تفکری جا بیفتد که کاروان جوانان قرآنی (اعم از حافظ و قاری) که برای قرائت و ارائه قرآن از حفظ به حج می روند، واقعا تاثیرگذار هستند، تصریح کرد: این قاریان به عنوان سفیران نظام جمهوری اسلامی، سفیران تشیع و پیروان امیرالمؤمنین (ع) باعث افتخار نظام هستند. وی ادامه داد: بعدها با توجه به افزایش تعداد قاریان، حافظان، گروه‌های مدیحه‌سرایی و تواشیح، باید سیستمی برای گزینش قاریان، گروه‌ها و حافظان برتر تدوین می شد تا وقتی مشرف می شوند، کارهای قوی تر و بهتری را در بین مسلمین ارائه دهند و این سیستم تعبیه شد.

رسالت دوجانبه فعالان قرآنی؛ ارتقای معنوی و دیپلماسی اخلاقی

لطفی نیا درباره رسالت قاری و حافظ قرآن در کاروان حج، گفت: اولا این موضوع مربوط به شخصیت خود قاری و حافظ است که پا به محیطی می‌گذارد که قرآن در آن نازل شده و پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) در آن نفس کشیده‌اند. این فضا باعث می‌شود انگیزه‌ای درونی برای ارتقای معنوی در او ایجاد شود.

وی افزود: ثانیا، قاری باید با همین انگیزه، شخصیتی از خود ارائه دهد که نشان دهد نه تنها قاری و حافظ قرآن است، بلکه متخلق به اخلاق و آداب قرآنی نیز باشد. من در تجربه چندین ساله حضور خود از نزدیک شاهد بودم که اساتید و قاریانی که اعزام می‌شدند، واقعا مورد استقبال مسلمانان از تمام دنیا و با هر سلیقه‌ای قرار می‌گرفتند. این امر باعث گرایش افکار عمومی جهان اسلام به سمت ایران اسلامی شده و فکرها و اندیشه‌ها را متحول می‌کرد. این داور بین‌المللی قرآن کریم با تاکید بر لزوم حمایت از این حرکت نورانی، خاطرنشان کرد: مسئولان ما باید در تثبیت این انگیزه و ادامه این حرکت سرمایه‌گذاری کنند تا جوانان ما با حضور در حج، با سایر مسلمانان آشنا شده و ارتباط برقرار کنند. لطفی نیا با اشاره به تغییر شرایط رسانه‌ای در جهان گفت: تا پیش از این، تفکر مقاومت در جبهه حق، ایستادگی در برابر ظلم جهانی، استعمار و شیطان اکبر از پشت پرده‌های سانسور اخبار و رسانه‌ها پنهان بود و ما در مضیقه بودیم تا اجازه دهند اخبار ایران، مبارزات امام راحل (ره) و امام شهیدمان به دنیا برسد. اما امروز این پرده‌ها دریده شده و هیچ مرزی برای انتشار اخبار صحیح وجود ندارد و دسترسی به آنها راحت است. وی با بیان اینکه خبر حضور جوانان قرآنی ما در حج از لحاظ رسانه‌ای بسیار تاثیرگذار است، تاکید کرد: اگر رسانه‌های داخلی ما درست به این موضوع بپردازند و نوع برخورد مسلمانان، گرایش و استقبال آنها را به خوبی منتشر کنند، رسالت خود را به درستی انجام داده‌اند.

این قاری و داور بین المللی قرآن کریم در پایان به تجربیات جهانی خود اشاره کرد و گفت: ما در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و قلب اروپا حضور پیدا کردیم. بزرگ‌ترین تجربه ما این بوده که هروقت صدای قرآن را از یک ایرانی شنیدند، گرایش به نظام جمهوری اسلامی ایران بیشتر شد. این موضوع به دلیل این است که ذهنیت‌ها به گونه‌ای شکل گرفته که وقتی قرآن را از یک ایرانی می‌شنوند، آن را به تفکر انقلاب و تفکر مقاومت پیوند می‌زنند. لذا این حرکت باید تقویت شود و هر اندازه هم تقویت شود، به نفع نظام و جمهوری اسلامی است.

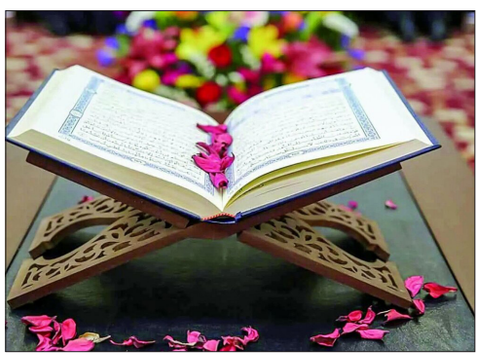

ناگفته‌هایی از زندگی شهدای مدافع امنیت در گفت‌وگوی ویژه هفته نیروی انتظامی

آن سوی اقتدار

امنیت موهبتی است که در ناپیدا‌ترین لحظات زندگی حس می‌شود، اما سنگین‌ترین هزینه‌ها برای بقای آن پرداخته شده است. در تقویم رسمی، هفته نیروی انتظامی بهانه‌ای است برای یادآوری حضوری که شبانه‌روز در خیابان‌ها، چهارراه‌ها، مرزها و حساس‌ترین نقاط بحران جریان دارد؛ مردانی که با پذیرش خطرات مداوم، آرامش عمومی را پاس می‌دارند. با این وجود، تصویر عمومی جامعه از این حافظان امنیت غالبا در هیبت تجهیزات رزمی، لباس‌های یکدست و چهره‌های مصمم و تسلیم‌ناپذیر خلاصه مانده است؛ تصویری یک‌سویه که لایه‌های عمیق انسانی و عاطفی این افراد را در سایه قرار می‌دهد. مرتضی اسدی، نویسنده کتاب مستند «کجایی؟» که به روایت زندگی و شهادت شهید اسماعیل چراغی، از فرماندهان یگان ویژه نوپو اصفهان پرداخته، در این گفت‌وگوی تفصیلی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از پوسته سخت و نفوذناپذیر ظاهری گذشت و به قلب تپنده‌ای رسید که انگیزه اصلی فداکاری در میدان‌های رزم و خدمت بوده است.

امنیت پایدار هیچ جامعه‌ای بدون پشتوانه جان فشانی به دست نمی‌آید. نهاد پلیس در تمام جوامع، مظهر نظم و اقتدار قانونی است، اما در سپهر اجتماعی ایران، کارنامه نیروهای انتظامی با مفهوم ایثار و شهادت پیوندی ناگسستنی خورده است. شهدایی که سینه خود را در برابر تیر اشرار، قاچاقچیان، برهم‌زنندگان نظم و تروریست‌ها سپر می‌کنند، پیش از آنکه درجه و نشانی بر دوش داشته باشند، انسان‌هایی با تمام دلبستگی‌ها، عواطف و پیوندهای خانوادگی هستند. چالش بزرگ رسانه‌ها در تمام این سال‌ها، دشواری عبور از تصویر رسمی و رسیدن به ساحت واقعی زیست این شهدا بوده است؛ چالشی که اسدی در کتاب «کجایی؟» تلاش کرده پاسخی روشن و ملموس برای آن بیابد.

مرتضی اسدی صحبت‌های خود را با مرور زاویه دید اولیه خود نسبت به نیروهای ویژه آغاز می‌کند؛ نگاهی که به گفته او، کم‌وبیش در بخش‌هایی از جامعه نیز مشترک است. او توضیح می‌دهد که وقتی پروژه تحقیق و نگارش درباره شهید چراغی به او پیشنهاد شد، ذهنیت اولیه‌اش برگرفته از همان تصاویری بود که رسانه‌ها و سینما از نیروهای ویژه امنیتی و یگان نوپو ترسیم می‌کنند؛ انسان‌هایی به غایت سرسخت، نفوذناپذیر، کم‌حرف و با انضباطی آهنین که گویی از هرگونه احساسات فردی فاصله دارند. اسدی در این گفت‌وگو تاکید می‌کند که لباس سیاه، کلاه ایمنی و تجهیزات سنگین نوپو ناخودآگاه فاصله‌ای میان ناظر و مامور ایجاد می‌کند و سبب می‌شود عموم مردم احساس کنند با افرادی روبه‌رو هستند که صرفا برای ماموریت‌های پرخطر ساخته شده‌اند. با این حال، نویسنده کتاب یادآور می‌شود که نقطه عطف کار او دقیقا از لحظه‌ای آغاز شد که پای گفت‌وگو با همکاران، خانواده، دوستان محله و آشنایان اسماعیل چراغی نشست. به تعبیر اسدی، هرچه صفحات خاطرات ورق می‌خورد، آن قاب خاکستری و نفوذناپذیر بیشتر فرو می‌ریخت و جای خود را به تصویری زنده از مردی می‌داد که در متن زندگی جاری بود، می‌خندید، دغدغه گره‌گشایی از کار مردم را داشت و حتی در سخت‌ترین شرایط ماموریت، ظرافت‌های اخلاقی را از دست نمی‌داد.



هندسه معنایی یک نام: چرا «کجایی؟»

یکی از بارزترین ویژگی‌های کتاب، نام نامتعارف آن برای یک اثر در حوزه ادبیات پایداری و زندگینامه شهداست. اسدی در پاسخ به این پرسش که چرا به جای واژه‌های حماسی مرسوم، یک عبارت سوالی و ساده را برگزیده است، به بستر واقعی زندگی شهید و ماهیت کار نیروهای ویژه پلیس اشاره می‌کند. او می‌گوید این کلمه، تکراری‌ترین واژه‌ای بود که در مکالمات میان شهید چراغی و خانواده‌اش، به ویژه همسرش، رد و بدل می‌شد. نویسنده کتاب «کجایی؟» تشریح می‌کند که ماهیت ماموریت‌های نوپو توأم با رازداری، جابه‌جایی‌های سریع، آماده‌باش‌های ناگهانی و غیبت‌های طولانی از خانه است. در چنین وضعیتی، نخستین پرسشی که از پشت گوشی تلفن مطرح می‌شود این است: «کجایی؟» و پاسخ شهید معمولا پاسخی مبهم و اطمینان بخش برای کاستن از اضطراب اهل خانه بود. اسدی می‌افزاید که این واژه پس از شهادت اسماعیل، وزن معنوی و عاطفی دیگری پیدا کرد. این بار این سوال نه فقط از جانب خانواده، بلکه از سوی همرزمان، یگان و حتی مردمی پرسیده می‌شد که جای خالی یک فرمانده مدافع امنیت را حس می‌کردند. نویسنده معتقد است این عنوان، دریچه‌ای روانی است تا خواننده پیش از ورود به فضای تاکتیکی و رزمی، حجم عظیم دلتنگی، اضطراب و صبوری پنهان در زندگی خانواده‌های این نیروها را لمس کند.

وقتی کار خیر دوربین نمی‌خواهد

اسدی در بازخوانی ویژگی‌های رفتاری شهید چراغی، به مفهوم خدمت بی‌صدا اشاره می‌کند و آن را نقطه تمایز رفتارهای مخلصانه از نمایش‌های مرسوم اداری می‌داند. او در گفت‌وگو روایتی را به یاد می‌آورد که در جریان مصاحبه‌ها بسیار بر او اثرگذاشته بود؛ ماجرای برخورد شهید چراغی با راننده‌ای که در پارکینگ عمومی خودرویش دچار نقص فنی شده بود. اسماعیل چراغی بدون در نظر گرفتن جایگاه فرماندهی خود، آستین بالا می‌زند و ساعت‌ها وقت صرف تعمیر ماشین آن شهروند می‌کند. نویسنده کتاب اشاره می‌کند که در همان صحنه، یکی از همراهان قصد داشت با تلفن همراه از این کار خیر فیلم برداری کند، اما با مخالفت صریح و گلایه شهید روبه‌رو شد. اسدی می‌گوید شهید چراغی بر این باور بود که وقتی دستی برای کمک دراز می‌شود، نگه داشتن دوربین، بی‌احترامی به کرامت انسانی فرد نیازمند و آلوده کردن عمل خیر به هوای نفس است. نویسنده با استناد به این خاطره یادآور می‌شود که خصلت ایثارگری در چنین افرادی، یک نمایش شغلی یا واکنش لحظه‌ای نیست، بلکه در تار و پود شخصیت آنها ریشه دارد و در موقعیت‌هایی که هیچ مافوق و گزارشی وجود ندارد، بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می‌دهد.

کرامت انسانی در کسوت فرماندهی

بخش مهم دیگری از سخنان نویسنده به سبک فرماندهی و مدیریت نیروی انسانی توسط شهید اختصاص دارد. در سازمان‌های نظامی و شبه‌نظامی، حفظ سلسله‌مراتب و انضباط سخت‌گیرانه اصولی اساسی هستند، اما اسدی نشان می‌دهد که شهید چراغی چگونه میان قاطعیت مدیریتی و حفظ شأن انسانی تعادل برقرار می‌کرد.



اسدی به نمونه‌ای مستند از کتاب اشاره می‌کند که در آن یکی از نیروهای وظیفه گرفتار معضل اعتیاد شده بود؛ خطایی که بر اساس آیین نامه‌های انضباطی، معمولا به بازداشت، دادگاه نظامی و اخراج با پرونده‌ای سیاه منجر می‌شود. نویسنده توضیح می‌دهد که اسماعیل چراغی در مواجهه با این پرونده، شیوه مرسوم را در پیش نگرفت. او با درک شرایط آسیب‌پذیر آن جوان، شخصا مدیریت درمان و نجات او را بر عهده گرفت، ماجرا را محرمانه نگه داشت تا آبروی سرباز پیش خانواده‌اش حفظ شود و آن جوان را به زندگی و خدمت بازگرداند. اسدی معتقد است این شیوه از فرماندهی نشان می‌دهد که در منظومه فکری فرماندهانی چون چراغی، اقتدار نه چماقی برای تحقیر زیردستان، بلکه سپری برای صیانت و هدایت آنان به سوی تعالی بوده است.

بازگشت رزمنده به حریم مهر

یکی از چالش‌های ماموران یگان‌های ویژه، مهار فشارهای روانی ناشی از مواجهه با خشن‌ترین تهدیدها، صحنه‌های گروگان‌گیری، درگیری‌های شهری و عملیات‌های ضدتروریستی است؛ تنش‌هایی که اگر مهار نشوند، به آسانی به حریم خانه سرریز می‌کنند. مرتضی اسدی در تشریح این بعد از زندگی شهید، بیان می‌کند که اسماعیل چراغی هنر عجیبی در تفکیک میدان ماموریت از کانون خانواده داشت. به گفته نویسنده کتاب، شهید اسماعیل چراغی به محض عبور از درگاه خانه، تمام عناوین، تجهیزات، درجه‌ها و خستگی‌های ناشی از ماموریت‌های طولانی را پشت در جا می‌گذاشت. او در خانه، پدری سرشار از محبت، شوخ‌طبع، همراه در امور روزمره و همسری صبور و پشتیبان بود. اسدی می‌افزاید تصویری که نزدیکان از او در جمع‌های خانوادگی ارائه می‌دهند، با تصویر فرماندهی که در صحنه عملیات کوچک‌ترین ضعفی نشان نمی‌داد، در یک نگاه سطحی غیرقابل جمع به نظر می‌رسد، اما این هنر خودسازی روحی بود که به او توان می‌داد تا لطافت عاطفی خود را در سخت‌ترین مشاغل حفظ کند.

وظیفه تاریخ‌نگاری در قبال حافظه جمعی

اسدی در پایان این گفت‌وگو به رسالت سنگین نویسندگان و فعالان رسانه‌ای در عصر حاضر اشاره می‌کند. او تاکید دارد که جامعه امروز، خسته از شعارهای کلیشه‌ای و ستایش‌های مبالغه‌آمیز، به دنبال روایت‌های مستند، باورپذیر و زنده است. به باور نویسنده «کجایی؟»، اگر نتوانیم شهدا را همان‌گونه که زیسته‌اند و با تمام ابعاد رفتاری‌شان به نسل جدید معرفی کنیم، ناخواسته آنها را دست‌نیافتنی کرده‌ایم. اسدی هفته فراجا را نه یک مناسبت تقویمی صرف، بلکه زمانی برای بازیابی این پیوند معرفتی می‌داند و خاطرنشان می‌کند: شهید اسماعیل چراغی و یارانش نمادهای نسلی هستند که نشان دادند می‌توان تا دندان مسلح به ابزار دفاعی بود، اما روح زلال و اخلاق پیامبرگونه را حفظ کرد! انتشار آثاری از این دست، گامی کوچک در مسیر تغییر نگاه عمومی و ادای دین به کسانی است که جان دادند تا آرامش این مرز و بوم دست‌نخورده باقی بماند.

فیلمی درباره کوچک‌ترین شهید جنگ

عمو رشید چگونه بازیگر دفاع مقدسی شد؟

مرتضی رحیمی، کارگردان فیلم سینمایی «آن دو» با اشاره به انتخاب بازیگران این فیلم از بی‌مهری نسبت به اکران این اثر گلایه کرد.

مرتضی رحیمی، کارگردان فیلم سینمایی «آن دو» درباره وضعیت اکران و تبلیغات این فیلم گفت: متاسفانه از تبلیغات فیلم راضی نیستم. ما نه بیلبوردی در سطح شهر داریم، نه تبلیغات تلویزیونی مناسبی برای فیلم انجام شده است و نه تبلیغات محیطی قابل توجهی داشته ایم. حتی در همان سینماهایی که فیلم به صورت محدود اکران می‌شود نیز تبلیغات مناسبی نداریم. در مجموع، تبلیغات فیلم بسیار محدود بوده و همین مسئله باعث شده است این اثر در مقایسه با فیلم‌های مشابهی که همزمان در حال اکران هستند، متضرر شود.

وی درباره حمایت نهادها از تولید و اکران فیلم نیز بیان کرد: ۵۳ درصد از مالکیت فیلم متعلق به بنیاد شهید و ۴۷ درصد متعلق به من و آقای سبط احمدی تهیه کننده اثر است. حتی در زمان تولید نیز با مشکلات و محدودیت‌های زیادی مواجه بودیم و حمایت مناسبی از سوی نهادهای مرتبط صورت نگرفت. با توجه به اینکه موضوع فیلم درباره شهدای بسیجی است، انتظار داشتیم سازمان بسیج از این اثر حمایت کند، اما چنین حمایتی اتفاق نیفتاد. از سوی دیگر، بنیاد فارابی و اوج نیز حمایتی از فیلم نکردند. ما به نهادهای مختلف مراجعه کردیم، اما در نهایت حمایت قابل توجهی انجام نگرفت.

وی ادامه داد: در زمینه تبلیغات تلویزیونی نیز پس از مکاتباتی که با آقای جبلی و آقای جلیلی داشتیم، تیزر فیلم برای چند روز پخش شد، اما این تبلیغات بسیار محدود بود و حتی خود من نیز به‌درستی آن را ندیدم. چهار روز از آغاز پخش گذشته بود که امروز پیگیری کردم و گفتند پخش تیزر به پایان رسیده است. واقعا مشخص نبود این تیزر از کدام شبکه و با چه میزان پوششی پخش شده است.

رحیمی تصریح کرد: گفته می‌شود فیلم‌هایی که همزمان با ما اکران شده‌اند، هر کدام چندین میلیارد تومان برای کمپین تبلیغاتی خود هزینه کرده‌اند؛ برخی ۱۰، ۱۵ یا حتی ۲۰ میلیارد تومان هزینه کرده‌اند. طبیعتا ما چنین امکانی نداشتیم. فیلم ما یک اثر دفاع مقدسی با بودجه‌ای بسیار محدود و درواقع یک کار کم‌هزینه است. برای مقایسه، در همان سالی که ما مشغول ساخت این فیلم بودیم، برخی دوستان برای تولید فیلم‌های دفاع مقدسی خود در سال ۱۴۰۳ حدود ۶۵ تا ۷۰ میلیارد تومان هزینه کردند، در حالی که ما فیلم خود را با حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیارد تومان تولید کردیم.

فیلمی درباره خردسال‌ترین شهید دفاع مقدس

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره شکل‌گیری ایده اولیه فیلم نیز توضیح داد: ایده اولیه ما درباره شهید علی لندی بود؛ نوجوانی که در سال ۱۴۰۰ برای نجات خانواده همسایه وارد آتش شد و در نهایت جان خود را از دست داد. ابتدا قصد داشتیم فیلمی درباره او بسازیم، اما اتفاقاتی رخ داد و دوستان پیشنهاد کردند این موضوع ساخته نشود. در نهایت، بنیاد شهید چهارمحال و بختیاری داستان شهید جعفر خالدی را پیشنهاد کرد؛ شهیدی که از کوچک‌ترین شهدای دفاع مقدس محسوب می‌شود. رحیمی ادامه داد: از آنجا که خانواده شهید خالدی را می‌شناختم و خودم نیز اهل منطقه بختیاری هستم، کار را آغاز کردیم. حدود یک سال پیگیر بودم تا موافقت بنیاد شهید تهران را برای ساخت فیلم دریافت کردم. سپس آقای سبط احمدی به‌عنوان تهیه‌کننده به پروژه اضافه شد و کار را ادامه دادیم.

وی درباره داستان فیلم گفت: این اثر درباره یکی از کم سن و سال‌ترین شهدای دفاع مقدس و برادرش است. آنها در جریان عملیات رمضان سال ۱۳۶۱ به شهادت رسیدند و گروه تفحص نیز در سال ۱۳۷۸ پیکر آنها را پیدا کرد و به شهر زادگاهشان، لردگان، بازگرداند. این کارگردان درباره انتخاب بازیگران فیلم و حضور قدرت‌الله ایزدی (عمو رشید) که بیشتر با نقش‌های کمدی شناخته می‌شود، اظهار کرد: خودم پیشنهاد دادم که در این فیلم یک سنت‌شکنی انجام دهیم و آقای ایزدی معروف به عمو رشید را که مخاطبان بیشتر او را با نقش‌ها و فضاهای طنز می‌شناسند، وارد ژانر دفاع مقدس کنیم. به نظرم این اتفاق می‌توانست جذاب باشد؛ به‌خصوص اینکه فیلم در حوزه کودک و نوجوان ساخته شده و طبیعتا مخاطب کودک و نوجوان نیز دارد.

وی افزود: قصه فیلم در بخش‌هایی فضای تلخ و غم‌انگیزی دارد و در نهایت نیز به شهادت ختم می‌شود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم آقای ایزدی برای چند دقیقه وارد داستان شود و فضای اثر را تا حدی تغییر دهد. هدف این بود که با استفاده از توانایی او در حوزه کمدی، بدون اینکه فضای فیلم از ژانر دفاع مقدس خارج شود، لحظاتی ایجاد کنیم که مخاطب لبخند بزند.

این کارگردان متذکر شد: آقای ایزدی خودش تلاش می‌کرد نقش را کمدی‌تر و پررنگ‌تر اجرا کند، اما من سعی کردم این موضوع را کنترل کنم و به او گفتم که در اینجا دیگر «رشید» نیستید و باید متناسب با فضای دفاع مقدس بازی کنید. در نهایت تلاش کردیم رگه‌های طنز و ویژگی‌های کمدی شخصیت حفظ شود، اما این مسئله کنترل‌شده باشد. خوشبختانه همکاری خوبی شکل گرفت و تا جایی که فیلم دیده شده، مخاطبان نیز از این بخش استقبال کرده‌اند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا در حال حاضر مشغول ساخت اثر جدیدی است، گفت: در حال حاضر مشغول نگارش یک سریال برای تلویزیون هستیم که حدود دو تا سه سال است درگیر آن هستیم. متاسفانه هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم و همچنان مشغول بازنویسی فیلمنامه هستیم. همچنین به تازگی درخواست پروانه ساخت یک پروژه جدید را ارائه کرده‌ام و اگر شرایط فراهم شود و بتوانیم بودجه لازم را تامین کنیم، امیدوارم این پروژه نیز ساخته شود.

اگر درباره یک فرمانده بزرگ فیلم ساخته بودم، بیشتر توجه می‌کردند

این کارگردان درباره شرایط اکران فیلم و میزان حمایت از آن گفت: تمام سختی‌هایی که در این سه، چهار سال برای ساخت و رساندن فیلم به مرحله اکران متحمل شدم، یک طرف و اینکه حالا در مرحله‌ای که باید ثمره این تلاش دیده شود، همکاری لازم صورت نمی‌گیرد، طرف دیگر. به نظرم این غم انگیزترین بخش ماجراست. اگر فیلمی درباره یک سردار شناخته شده ساخته شود، طبیعتا نام آن سردار و مسئولیت و سوابقش می‌تواند باعث شود توجه بیشتری به فیلم جلب شود، اما وقتی درباره یک سرباز گمنام و یک بسیجی داوطلب فیلم ساخته می‌شود، متاسفانه نهادهای مختلف کمتر پشت کار قرار می‌گیرند. رحیمی در پایان اظهار کرد: حتی انتظار ما از مردم استان‌های لرنشین و به‌خصوص لرهای بختیاری نیز بیشتر بود، اما متاسفانه در بسیاری از این مناطق یا سینما نداریم یا تعداد سالن‌ها بسیار محدود است و سینما رفتن نیز در سبد خانوارها به عنوان یک گزینه جدی وجود ندارد. با این حال امیدوارم ما توانسته باشیم رسالت خود را در قبال این شهدا و این داستان انجام دهیم و مخاطبان نیز از نتیجه کار راضی باشند. فیلم «آن دو» قصه‌ای متفاوت از دوران جنگ تحمیلی را با محوریت پسربچه‌ای ۱۲ ساله به نام ظفر به تصویر می‌کشد که از عشایر لردگان است و زندگی و جهان کودکانه او به‌زودی با حوادث جنگ ایران و عراق پیوند می‌خورد... لوکیشن‌های فیلم «آن دو» در شهر لردگان در استان چهارمحال و بختیاری، آبادان و شهرک سینمایی دفاع مقدس بوده است.

فریبا کوثری، علیرام نورایی، قدرت‌الله ایزدی، مالک حدپورسراج، آوا دارویت، اسرافیل علمداری، محمدرضا ژاله، کامران دهقان، داراب آقاسی‌زاده، سلیمه رنگزن، مژگان محمودیان، مرجان علوی، کبری گودرزی، سعید محمودی، بهروز کردزنگنه، حبیب تاجمیری، پوریا ریحانی اصل، حاتم میرزایی، مهران پورمهدی، مهران هادی، سیاوش معمارزاده، درسا طهماسبی، مصطفی حسنی، روح‌الله خالدی، محمدرضا عالیور، امیرمحمد فتاحی، علی گودرزی، زیبا موسوی، بابک محمودی و امیررضا فرامرزی و... در این فیلم بازی دارند.

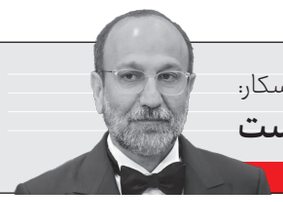

اصغر فرهادی، فیلمساز برنده اسکار:

آمریکایی‌ها اغلب ادعا می‌کنند دموکراسی دارند، اما درواقع ندارند؛ این یک دروغ است



کتاب دایره‌المعارف مصور و زندگی نامه امام خمینی (ره) نشر سایان

دانشنامه در نگاه او فقط مجموعه‌ای از مدخل‌ها و اطلاعات پراکنده نبود؛ تلاشی بود برای آنکه جهان اسلام، خود روایت علمی خویش را بنویسد. رهبر شهید انقلاب در سال ۱۳۶۲، ایده تدوین یک دانشنامه جامع جهان اسلام را با این پرسش مطرح کرد که چرا مسلمانان باید برای شناخت معارف اسلامی همچنان به دانشنامه‌هایی مراجعه کنند که دیگران نوشته‌اند و چرا «خودمان دایره‌المعارف جامع جهان اسلام را تدوین نکنیم». این نگاه، دانشنامه را از یک پروژه نشر به مسئله‌ای درنسبت با تولید و ثبت دانش تبدیل می‌کرد.

چند سال بعد، در دیداری با دست‌اندرکاران این پروژه، حتی کثرت دانشنامه‌ها را مانعی نمی‌دانست و به روایت مهدی محقق، فرمود: «مملکتی که ۷۰ میلیون جمعیت دارد ۱۰ تا دایره‌المعارف هم به وجود بیاید بازکم است.»

در سال ۱۳۷۰ نیز، هنگام سخن گفتن درباره این کار، از «احساس پیمودن راه جدید» در عالم دائره‌المعارف‌نویسی گفت و تاکید کرد که باید کاری کرد حتی «درصد کوچک اشتباه» نیز در کتاب باقی نماند. برای او، دانشنامه همزمان راهی تازه، کاری جمعی و عرصه‌ای برای دقت علمی بود؛ تلاشی برای ساختن مرجعی که مسلمانان درباره جهان فکری و تاریخی خود، آن را از زبان و قلم خویش پدید آورند.

پنجم اکتبر ۱۷۱۳ سالروز تولد دنی دیدرو، متفکری که دریافت برای دگرگون ساختن مناسبات قدرت و دگرگون کردن شیوه اندیشیدن جامعه، نباید به صدور بیانیه‌های پرشور سیاسی بسنده کرد، باید جهان را در قالب یک دایره‌المعارف از نو تعریف کرد. دانشنامه‌نویسی از همان نقطه آغازین نشان داد که پیش از آنکه فن انباشت خنثای داده‌ها باشد، میدان نبرد اراده‌های تمدنی بر سر تسخیر معنا، سامان بخشی به خرد عمومی و صورت‌بندی اندیشه بشری است.

عقلانیت مدون از گذشته تا امروز؛ به بهانه سالروز تولد اولین مولف دایره‌المعارف در جهان

سرگذشت دانشنامه‌نویسی در تقاطع علم، هویت و فناوری

سودای گردآوری تمامیت دانش در مغرب‌زمین، نخست در قالب ثبت مشاهدات تجربی و انباشت اطلاعات طبیعی پدیدار شد؛ رویکردی که دانشنامه «تاریخ طبیعی» پلینی بزرگ در روم باستان تبلور عینی آن بود و دامنه‌ای وسیع از پدیده‌های زیستی، معدنی و جغرافیایی را بدون ساختار تحلیلی واحد کنار هم می‌نشاند. با فرا رسیدن قرون وسطی، این تکثر تجربی جای خود را به نظمی الهیاتی داد که در آن متفکران برآن شدند تا تمام هستی، علوم طبیعی و حیات انسانی را درون چارچوب کتاب مقدس و تعالیم کلیسا جای دهند و دانایی را در کسوت تجلی مشیت الهی طبقه‌بندی کنند.

جهش بنیادین اما در میانه سده هجدهم و با وزیدن بادهای عصر روشنگری شکل گرفت؛ پروژه‌ای ۲۵ ساله که طی آن دنی دیدرو و ژان دالامبر با هدایت مجموعه ۲۸ جلدی «آنسیکلوپدی»، شالوده‌های فکری اروپای کهن را به چالش کشیدند. آنها با دسته‌بندی دانش بر مدار عقل، حافظه و تخیل به جای ایمان تعبدی، اثبات کردند که صورت‌بندی الفبایی و رهایی از سلسله مراتب جزمی پیشین، زبان را به ابزاری قاطع برای نقد استبداد، مبارزه با تعصب و گسترش تفکر انتقادی تبدیل می‌کند. دیری نپایید که در سال ۱۷۶۸، با زایش «دانشنامه بریتانیکا» در اسکاتلند، این رویکرد ساختاریافته‌تر شد و قالبی مقاله‌محور، استاندارد و متکی بر انضباط روش‌شناختی پدید آمد تا توازن و بی‌طرفی آکادمیک را به شناسنامه مرجع‌نگاری مدرن غربی تبدیل کند.

تمدن اسلامی پیش از ورود واژگان جدید هندسه دانایی را مهندسی کرد

پدیداری آثار دانشنامه‌ای در ایران و جغرافیای اسلامی رخدادی تحمیلی یا گرته برداری از غرب نبود. ابونصر فارابی در «احصاء العلوم» با طبقه بندی نظام‌مند دانش به زبان برهان، مرزمیان علوم عقلی و نقلی را ترسیم کرد و بنیانی روش‌شناختی برای فهم معارف بشری پی ریخت. در امتداد این مسیر، ابن سینا با خلق «دانشنامه علایی» به زبان فارسی، دست به جسارتی بزرگ زد؛ او با وضع اصطلاحات منسجم فلسفی و برهانی به زبان فارسی، ثابت کرد که این زبان توانایی و شایستگی حمل عمیق‌ترین مفاهیم متافیزیکی، منطقی و طبیعی را داراست.

این میراث عقلانی با گستردگی مضاعف در آثار متاخر تجلی یافت؛ از رسائل تمثیلی و ترکیبی «اخوان‌الصفا» تا «جامع‌العلوم» فخررازی که معارف گوناگون را با مهندسی مفهومی دقیق در ۶۰ باب انتظام بخشید. اوج این سنت ترکیبی در قرن هشتم هجری با شاهکار شمس‌الدین محمد آملی یعنی «نفائس الفنون فی عرائس العیون» آشکار شد؛ اثری سترگ که بیش از ۱۶۰ علم زمانه را پوشش داد و ساختار معرفت پیشینی و پسینی را در یک نظام فکری جامع گرد آورد تا گواهی باشد بر اینکه جهان ایرانی قرن‌ها پیش از ورود اصطلاح دایره‌المعارف، صورتی عمیق از جامعیت علمی را زیسته بود.

نهادسازی پس از انقلاب، انحصار روایتگری شرق‌شناسانه را شکست

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشنامه‌نویسی وارد مرحله نهادسازی کلان و بازپس‌گیری حق روایت شد. در سال ۱۳۶۲، با صدور فرمان آیت‌الله خامنه‌ای در دوره ریاست‌جمهوری، «بنیاد دایره‌المعارف اسلامی» با هدف تالیف «دانشنامه جهان اسلام» بنیان نهاده شد و همزمان «مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» نیز فعالیت خود را آغاز کرد. این تصمیم گیری راهبردی، پاسخی بود به انحصار چند دهه‌ای روایت‌های شرق‌شناسی غربی، به‌ویژه «دانشنامه اسلام» چاپ لیدن (انتشارات بریل) که سال‌ها تشیع و میراث اسلام را از پشت عینک قضاوت‌های برون‌دینی و خطاهای روشی برای جهانیان تصویر می‌کرد.

اصول راهبردی رهبری، مسیر این بازپس گیری تمدنی را هموار کرد؛ صیانت جدی از تقریب مذاهب و مدارای عالمانه با مذاهب اسلامی، پیراستن زبان فارسی از شلختگی‌های ترجمه‌زدگی، ترجمه و انتشار برون‌مرزی آثار به زبان‌های عربی و انگلیسی و ترجیح مستندنگاری بر مشاجرات ژورنالیستی. دانشنامه‌نگاری در این دوره توانست نسلی از محققان تربیت کند که بدون تعصب و با تکیه بر متون دست اول، روایتی علمی، اصیل و مستقل از درون فرهنگ اسلامی ارائه دهند.

سرنوشت عقلانیت مکتوب در محاصره الگوریتم‌ها

امروز دانشنامه نویسی وارد بحرانی وجودی شده است؛ سال هایی که در آن مدل‌های زبانی عظیم و موتورهای هوش مصنوعی زاینده، پاسخ به هرپرسشی را در کسری از ثانیه بازتولید می‌کنند. کندی فرساینده پژوهش انسانی و چرخه طولانی تصحیح و چاپ مجلدات کاغذی، توان رقابت با شتاب سرسام‌آور داده‌ها را ازدست داده است. درنگاه نخست، به نظر می‌رسد الگوریتم‌ها کار دانشنامه‌نگاران را پایان یافته تلقی کرده‌اند اما تکرار خطاهای ساختاری، پدیده توهم ماشینی و سوگیری داده‌های آموزش‌دیده هوش مصنوعی، خطری تازه را برملا کرده است، یعنی بحران تهی شدن حقیقت از اعتبار تاریخی و مرجعیت سندی.

دانشنامه‌نویسی هیچ‌گاه فقط تلاشی برای جمع‌آوری اطلاعات نبوده، بلکه سند حیاتی اراده یک تمدن برای اندیشیدن به خویشتن و ساختارمند کردن فهم خود از جهان است. ماشین‌های محاسباتی فاقد داوری اخلاقی و بصیرت مفهومی‌اند؛ از این‌رو، متون مرجع انسانی هنوزتنها ضامن وثاقت درگرداب داده‌ها هستند. بقای این نهادها در عصر کنونی منوط به این است که دانش متقن خود را از قفسه‌ها به گراف‌های دانش، پایگاه‌های فرامتنی و شبکه‌های وب معنایی انتقال دهند. اگر پیکره‌های دانشنامه‌ای ما به لایه‌های تغذیه‌کننده هوش مصنوعی متصل نشوند، هویت و مرجعیت تاریخی تمدن‌ها در انحصار پردازش‌های فاقد حافظه هوش مصنوعی حل خواهد شد.

مواجهه با تجدد و تبدیل ذهنیت خطابی به عقلانیت روش‌مند



برخورد پرتنش ایران عصر قاجار با تمدن مدرن، نیازی حیاتی برای بازآرایی سنت فکری ایجاد کرد؛ تلاشی درباری و سنتی که در دوره ناصری زیر نظر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه و با محوریت قلم شیخ مهدی شمس‌العلما به تدوین «نامه دانشوران ناصری» انجامید. این اثر اگرچه ساختاری رجالی و معطوف به شرح حال بزرگان داشت اما کاربست ترتیب الفبایی و فعالیت گروهی مولفان، آن را به نخستین پل ارتباطی میان تذکره‌نویسی کهن و اسلوب دانشنامه‌نگاری جدید تبدیل کرد. چند دهه بعد، علامه علی‌اکبر دهخدا به تنهایی بار امانت سنتی رو به محاق را بر دوش گرفت؛ «لغت‌نامه» او در مرز باریک واژه‌شناسی زبانی و دانشنامه عمومی ایستاد و توانست با نجات حافظه ادبی و تاریخی ایران، بنایی عظیم برای صیانت از هویت ملی بنا نهد.

تحول بنیادین در روش‌شناسی دانشنامه‌نویسی معاصر با تلاش‌های غلامحسین مصاحب در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ خورشیدی رقم خورد. مصاحب با طراحی و سرپرستی «دایره‌المعارف فارسی»، نثر پرطمطراق و ذهنیت خطابی را کنار زد و عقلانیت روش‌مند را حاکم کرد. او با بنیان‌گذاری نظام ارجاع متقاطع، تبیین قواعد دقیق آوانگاری، گزیده‌گویی، انضباط سندی و استانداردسازی رسم‌الخط، معیارهایی پایه‌گذاری کرد که جریان دانشنامه‌نگاری در ایران را از ذوق فردی به صنعتی علمی ارتقا بخشید.



از پیشتازی دوباره کان ژو تا طنز برابری شانس رولینگ با غول‌های فرم‌گرا

بنگاه‌های شرط‌بندی چگونه نوبل ۲۰۲۶ را پیش‌فروش می‌کنند؟



پنج شنبه همین هفته، هشتم اکتبر (۱۶ مهر)، درهای تالار بورس استکهلم گشوده خواهد شد تا دبیر دائم آکادمی سوئد نام برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۶ را اعلام کند؛ چهره‌ای که علاوه بر ۱۲ میلیون کرون سوئد (کمی بیش از ۱.۲ میلیون دلار)، سنگین‌ترین ردای افتخار ادبیات جهان را به دوش خواهد کشید. با این حال، به رسم سنت سال‌های اخیر، بازار گمانه‌زنی‌ها پیش از اعلام رسمی داوران به تسخیر بنگاه‌های شرط بندی بریتانیایی و سوئدی مانند لادبروکس و بثارد درآمده است؛ سازوکاری پر از اعداد و احتمالات که اگرچه هیچ‌گاه قطعیت ندارد، اما نبض هیجان و نوسان‌های بازار نشر را به نمایش می‌گذارد. به گزارش «آگاه» به نقل از رسانه‌های تخصصی ادبی از جمله «لیتررری هاب» و داده‌های بنگاه‌های بریتانیایی و سوئدی مانند «لادبروکس» و «بثارد» برخلاف دوره گذشته که لاسلو کراسناهورکای در آستانه مراسم با ضریب فشرده ۱ به ۶ پیشتاز بلامنازع بود، جدول شرط بندی امسال متشتت‌ترین و غیرقابل اطمینان‌ترین آرایش سال‌های اخیر را به خود گرفته است. هیچ نویسنده‌ای شانس قاطعی ندارد و بالاترین بخت جدول در بنگاه لادبروکس روی ضریب ۱ به ۱۰ قفل شده است؛ عددی که نشان می‌دهد داوران سوئدی امسال تا چه اندازه غیرقابل پیش‌بینی باقی مانده‌اند. در صدر این رقابت آماری، «کان ژو»، نویسنده آوانگارد چینی قرار دارد. او پس از افت رتبه در پیش‌بینی‌های سال ۲۰۲۵، بار دیگر به صدر بازگشته و تنها نامی است که شانس ۱ به ۱۰ را به خود اختصاص داده است؛ حتی در برخی بنگاه‌های اسکاندیناوی، ضریب او به ۵.۰۰ کاهش یافته که نشان از هجوم شرط بندی روی این گزینه دارد. با این حال، جامعه ادبی همچنان با تردید می‌پرسد که آیا آکادمی سرانجام شهامت پاداش دادن به جهان ساختارشکن و کافکایی او را خواهد داشت یا خیر؟ پشت سراو، «جرالد مورنان»، غول منزوی استرالیایی با شانس ۱ به ۱۶ کمین کرده است؛ نویسنده‌ای که اگرچه سال‌هاست از کانون توجه رسانه‌ای فرار می‌کند، اما محبوبیت عمیقی میان داوران و منتقدان فرم‌گرا دارد. در سوی دیگر، نام‌هایی دیده می‌شوند که حضورشان در رده‌های بالا بیش از اعتبار ادبی، حاکی از عطش شرط بندی عمومی است. هاروکی موراکامی با شانس ۱ به ۱۴ و توماس پینچون و مارگارت اتوود در ردیف‌های ۱ به ۱۶ و ۱ و به ۲۰ همواره شانس‌های سنگینی می‌خرند، اما منتقدان جدی به خوبی می‌دانند که این غول‌های عامه‌پسند هرگز از صافی آکادمی عبور نخواهند کرد. جذاب‌ترین بخش جدول امسال در ردیف ۱ به ۲۵ قرار دارد؛ جایی که شانس چهره‌هایی چون «الکسیس رایت» از استرالیا، «سزار آیرا» از آرژانتین، «میرچا کارتارسکو» از رومانی و «کریستینا ریورا گارزا» ارزیابی شده است. در ردیف ۱ به ۴۰ نیز نام «محمود دولت‌آبادی» در کنار چهره‌هایی مانند جویس کارول اوتس و مرلین رابینسون جای گرفته است.

اما طعنه‌آمیزترین بخش داده‌های امسال در ردیف ۱ به ۵۰ نمایان می‌شود؛ جایی که بنگاه‌های تجاری شانس مساوی برای «جی.کی. رولینگ» در کنار نویسندگان نامداری چون «یوکو تاوادا»، «لوئیز اردریچ» و «استیون کینگ» قائل شده‌اند؛ برابری عجیبی که به باور نویسندگان لیتررری هاب، بیشتر شبیه به یک کمدی تقلیل‌گرایانه در بازار شرط بندی است تا سنجش جایگاه خلاقه. با همه این ارقام و ضرایب، اعضای آکادمی سوئد بارها ثابت کرده‌اند که لذت عمیقی از بی‌اعتبار کردن پیش‌بینی‌های بازار بریتانیا می‌برند. احتمال اینکه روز پنج‌شنبه نامی کاملا متفاوت و بیرون از رادارهای آماری از پاکت بیرون بیاید بسیار بالاست، اما یک چیز در استکهلم هنوز تغییرناپذیر مانده است، اینکه هر شگفتی رخ دهد، باب دیلن دوباره نوبل نخواهد گرفت!

آمارهایی از بخش بین‌الملل سینما حقیقت

فیلمسازان اسپانیایی استقبال کردند

بخش بین‌الملل جشنواره سینما حقیقت امسال با رقابت بیش از دو هزار فیلم خارجی دنبال می‌شود.

به گزارش «تسنیم» در آستانه برگزاری بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت»، آمارهایی از بخش بین‌الملل این دوره منتشر شد.

براساس کسب اطلاع «تسنیم» ۲۱۵۸ فیلم متقاضی حضور در بخش‌های مختلف بین‌الملل بیستمین جشنواره فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» شده‌اند؛ در بخش مسابقه بلند ۴۰۴ فیلم، بخش مسابقه نیمه بلند ۱۲۹ فیلم، مستند و بخش مسابقه کوتاه هم ۱۲۷۴ فیلم ثبت‌نام کرده‌اند.

در بخش مرور مستندهای کشور اسپانیا، ۱۴۷ فیلم متقاضی حضور در این بخش است. همچنین در بخش مستندهایی برای مخاطبان نوجوان ۱۱ تا ۱۸ سال هم ۲۰۴ فیلم ثبت‌نام کرده‌اند.

در حال حاضر، مشاوران بخش بین‌الملل جشنواره «سینما حقیقت» مشغول تماشا و انتخاب آثار مسابقه هستند.

بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» با دبیری محمد حمیدی‌مقدم آذر امسال برگزار می‌شود.

اکران پنج فیلم جدید تصویب شد

جان تازه به سینمای کودک و نوجوان



در سیزدهمین جلسه شورای صنفی نمایش، قرارداد اکران پنج فیلم سینمایی «کافه سلطان»، «من می‌ترسم»، «بادبادک‌ها»، «بامبولک ۲» و «همسفر» به تصویب رسید.

به گزارش «آگاه» از خانه سینما، براساس مصوبات شورا، «کافه سلطان» پس از «آن دو» در پردیس مگامال، «من می‌ترسم» از ۲۲ مهر پس از «سفینه نجات» و «بادبادک‌ها» از ۶ آبان پس از «من می‌ترسم» در پردیس آزادی اکران خواهند شد.

همچنین «بامبولک ۲» از ۲۲ مهر پس از «سفیدبرفی» و «همسفر» از ۲۰ آبان پس از «بامبولک ۲» در پردیس سیتی‌سنتر روی پرده می‌روند.

در این جلسه، با نیم‌بها شدن بلیت فیلم «سفینه نجات» به مناسبت هفته کودک به مدت دو روز موافقت شد.

همچنین با درخواست تهیه‌کننده، اکران فیلم سینمایی «بت» با یک هفته تاخیر و از ۲۲ مهر به تصویب رسید.

درهمکاری با مهدی یزدانی خرم

صابر ابر سراغ اقتباسی از «برادران کارامازوف» رفت

صابر ابر «پسران و پدر مقتول‌شان یا همه آنها من بودم» را روی صحنه می‌برد.

به گزارش «آگاه» صابر ابر و مهدی یزدانی خرم درهمکاری تازه‌شان اقتباسی آزاد از رمان «برادران کارامازوف» نوشته فئودور داستایفسکی را آماده اجرا می‌کنند. بعد از موفقیت سه‌گانه «بورش و خون» صابر ابر بازی و کارگردانی نمایش «پسران و پدر مقتول‌شان یا همه آنها من بودم» را در زمستان ۱۴۰۵ انجام خواهد داد.

مهدی یزدانی خرم به عنوان نویسنده این اجرا حضور دارد و پروژه اقتباس از آثار داستایفسکی را ادامه می‌دهد. همچنین امیرسپهر تقی‌لو نیز به عنوان مجری طرح مانند سه‌گانه بورش و خون این پروژه را نیز همراهی می‌کند. سه‌گانه «بورش و خون» با محوریت نولای کوتاه «نازنین» شکل گرفت و حالا «برادران کارامازوف» منبع اصلی اقتباس اعلام شده است.

درسامانه نمایش آنلاین کانون پرورش فکری

اکران رایگان ۱۴ فیلم در هفته ملی کودک

همزمان با هفته ملی کودک، ۱۴ فیلم و انیمیشن به شکل رایگان اکران آنلاین می‌شوند.

به گزارش «آگاه» از اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۴ فیلم سینمایی و پویانمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همزمان با هفته ملی کودک به صورت رایگان در سامانه نمایش آنلاین کانون اکران می‌شود. این آثار از ۱۵ تا ۲۱ مهر ۱۴۰۵ و همزمان با هفته ملی کودک با شعار «لبخند کودکان، الفبای وطن» در دسترس کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

در این برنامه، ۶ فیلم سینمایی «بچه های آسمان» به کارگردانی مجید مجیدی، «یدو» به کارگردانی مهدی جعفری، «ضربه فنی» به کارگردانی غلامرضا رمضانی، «کلانتری غیرانتفاعی» به کارگردانی زنده یاد یدالله صمدی، «ماه‌بانو» به کارگردانی لیلا میرهادی و «رویای سبز» به کارگردانی حسین محجوب اکران می‌شود.

همچنین هشت پویانمایی «ده سالگی» اثر فاطمه جعفری، «سمپاش» اثر فرنوش عابدی، «سگی که مرض داشت» به کارگردانی پروین تجوید، «آسمان دوست داشتنی» ساخته امیر مهران، «کشاورز و ربات»، «بهادر» و «جایگزین» هرسه اثر عبدالله علیمراد و «قدم یازدهم» اثر مریم کشکولی‌نیا در این برنامه نمایش داده می‌شود.

این برنامه از سوی اداره کل امور سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و با هدف دسترسی کودکان و خانواده‌ها به مجموعه‌ای از تولیدات سینمایی و پویانمایی کانون در هفته ملی کودک اجرا می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند از ۱۵ تا ۲۱ مهر برای تماشای رایگان این آثار به سامانه نمایش آنلاین کانون به نشانی https://nama.kpf.ir/FilmDailyCAst مراجعه کنند.





احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیر دولتی:

۷۷ درصد رتبه‌های برتر کنکور از مدارس دولتی بودند

شهروندان برای هر مشکل انتظامی باید به کدام واحد مراجعه کنند؟

چند مسیر پلیسی هنگام سرقت





گوشی تلفن همراهش را در شلوغی خیابان گم کرده یا شاید کسی آن را از کیفش بیرون کشیده است. هنوز نمی داند سرقت اتفاق افتاده یا گوشی را در مسیر جا گذاشته، اما نگرانی دیگری به ذهنش رسیده است؛ اطلاعات بانکی، تصاویر شخصی، پیام ها و حساب‌های کاربری که ممکن است حالا در اختیار فرد دیگری باشد. نخستین سوالش این است که باید به کجا مراجعه کند؟ با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرد، به کلانتری برود، از پلیس فتا کمک بخواهد یا یکی از دفاتر پلیس +۱۰ می‌تواند مشکلش را حل کند؟

این سردرگمی فقط به سرقت تلفن همراه محدود نمی‌شود. شهروندی که کیف پول و مدارک هویتی‌اش را از دست داده، فردی که متوجه برداشت غیرمجاز از حساب بانکی خود شده یا کسی که در فضای مجازی مورد تهدید و اخاذی قرار گرفته، ممکن است در نخستین مرحله نداند کدام واحد انتظامی مسئول رسیدگی به موضوع اوست و چه مراحلی را باید طی کند. در چنین شرایطی، شناخت مسیر درست مراجعه به پلیس اهمیت زیادی دارد زیرا برخی اقدامات، مانند مسدود کردن کارت بانکی یا سیم‌کارت، باید بلافاصله انجام شوند و برخی دیگر، از جمله ثبت شکایت و پیگیری کشف اموال مسروقه، مسیر مشخص انتظامی و قضایی دارند.

روزنامه «آگاه» امروز دوشنبه به مناسبت روز نیروی انتظامی به بررسی مسیر دریافت خدمات انتظامی پرداخته است. اینکه اگر شهروند با سرقت، کلاهبرداری یا یک مشکل انتظامی روبه‌رو شد، از کجا باید شروع کند و کدام خدمات را می‌تواند بدون مراجعه حضوری دریافت کند؟ نخستین مرجع ارتباط شهروندان با پلیس در موقعیت‌های فوری، مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ است. اگر سرقت در حال وقوع باشد، سارق همچنان در محل حضور داشته باشد، شهروند با تهدید یا خشونت مواجه شده باشد یا نیاز به حضور فوری ماموران وجود داشته باشد، تماس با ۱۱۰ باید در اولویت قرار گیرد. اما اگر شهروند پس از وقوع حادثه متوجه سرقت شود و خطر فوری وجود نداشته باشد، باید پس از پرسیدن سوال از مرکز ۱۱۰ یا فتا، به کلانتری محل وقوع جرم مراجعه کند.

در کلانتری، موضوع سرقت اعلام و اطلاعات مربوط به زمان، مکان، نوع مال مسروقه و مشخصات احتمالی سارق ارائه می‌شود. بسته به نوع جرم و شرایط پرونده، اقدامات اولیه انجام و موضوع برای ادامه تحقیقات به واحد تخصصی مربوط ارجاع می‌شود. نکته مهم این است که تماس با ۱۱۰، ثبت گزارش انتظامی و ثبت شکایت قضایی الزاما یک مفهوم واحد ندارند. شهروندان باید شماره پیگیری و مرجع ادامه رسیدگی را دریافت و در صورت نیاز، مراحل قانونی ثبت شکایت را از مسیر اعلام‌شده دنبال کنند. همچنین باید همه شهروندان از نحوه برخورد با انواع سرقت‌ها از قبل آگاهی داشته باشند به این معنا که بدانند در این مواقع باید اولین اقدام‌شان چه باشد تا در هنگام وقوع سرقت بهترین تصمیم را بگیرند.

اگر گوشی تلفن همراه سرقت شد، چه کنیم؟

سرقت گوشی تلفن همراه دیگر صرفا از دست دادن یک وسیله چند ده میلیون تومانی نیست. تلفن همراه برای بسیاری از شهروندان به محل نگهداری اطلاعات هویتی، ارتباطات خانوادگی، حساب‌های بانکی، اسناد کاری و حساب‌های شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است. به همین دلیل، اقدامات پس از سرقت باید همزمان در دو مسیر انجام شود؛ پیگیری سرقت فیزیکی و جلوگیری از سوءاستفاده دیجیتال.

نخستین اقدام، در صورت وقوع فوری جرم یا وجود خطر، تماس با ۱۱۰ و سپس مراجعه به کلانتری یا مرجع انتظامی اعلام شده برای ثبت موضوع است. شهروند بهتر است شماره سریال یا شناسه IMEI گوشی، مدل، رنگ، شماره سیم‌کارت و مشخصات قابل شناسایی دستگاه را در اختیار داشته باشد. در مرحله بعد، باید با اپراتور تلفن همراه برای مسدودسازی سیم‌کارت اقدام کند. اگر برنامه‌های بانکی یا ابزارهای پرداخت روی گوشی فعال بوده‌اند، تماس با بانک و مسدودسازی دسترسی‌های در معرض خطر نیز ضروری است.

تغییر رمز حساب‌های مهم، خروج از نشست‌های فعال و استفاده از قابلیت‌های رسمی مکان‌یابی یا قفل و پاک سازی از راه دور، در صورت امکان، از دیگر اقدامات پیشگیرانه است. اگر پس از سرقت، برداشت غیرمجاز از حساب بانکی، دسترسی غیرمجاز به حساب‌های کاربری یا سوءاستفاده اینترنتی اتفاق افتاد، موضوع باید از مسیر پلیس فتا نیز پیگیری شود. در این میان، نگهداری شماره IMEI و مدارک مالکیت گوشی اهمیت دارد زیرا شناسایی دقیق دستگاه می‌تواند در روند پیگیری پرونده موثر باشد.

سرقت کیف پول و مدارک

در سرقت کیف پول، نخستین نگرانی معمولا پول نقد و کارت‌های بانکی است اما مدارک هویتی، گواهینامه، کارت ملی و سایر اسناد نیز ممکن است در اختیار سارق قرار گرفته باشند. در چنین شرایطی، شهروند باید ابتدا کارت‌های بانکی را از طریق بانک یا ابزارهای رسمی بانکی مسدود کند. اگر مدارک همراه کیف به سرقت رفته‌اند، ثبت گزارش سرقت و پیگیری صدور المثنی از مرجع صادرکننده مدرک نیز اهمیت دارد.

در صورتی که از مدارک یا اطلاعات هویتی فرد برای افتتاح حساب، دریافت خدمات یا ارتکاب جرم سوءاستفاده شود، مستندات مربوط باید حفظ و موضوع از مسیر انتظامی و قضایی پیگیری شود. اگر کیف حاوی مدارک خودرو یا موتورسیکلت بوده است، شهروند باید موضوع را به مرجع مربوط اعلام کند و برای دریافت مدارک جایگزین، از مسیر رسمی اقدام کند.

پلیس آگاهی چه زمانی وارد پرونده می‌شود؟

یکی از پرسش‌های رایج شهروندان این است که پس از مراجعه به کلانتری، آیا باید شخصا به پلیس آگاهی مراجعه کنند؟ پلیس آگاهی یکی از بخش‌های تخصصی فراجا در حوزه کشف جرم و تحقیقات مربوط به جرایم، از جمله سرقت است. پرونده‌های سرقت با توجه به نوع جرم، ارزش و ماهیت اموال، شواهد موجود و ضوابط ارجاع، ممکن است برای انجام تحقیقات تخصصی به واحدهای مربوط در پلیس آگاهی ارجاع شوند. بنابراین، مراجعه مستقیم به پلیس آگاهی برای تمام سرقت‌ها لزوما نخستین مرحله نیست. شهروند باید از کلانتری یا مرجع رسیدگی‌کننده درباره واحد مسئول پرونده و نحوه پیگیری آن راهنمایی بگیرد. در روند پیگیری، اطلاعاتی مانند شماره سریال گوشی، مشخصات خودرو، تصاویر دوربین‌های مداربسته، اطلاعات شاهدان و مدارک مالکیت می‌تواند به تحقیقات کمک کند.

وقتی سرقت از فضای مجازی عبور می‌کند

برداشت غیرمجاز از حساب بانکی، فیشینگ، کلاهبرداری اینترنتی، تهدید و اخاذی در شبکه‌های اجتماعی و دسترسی غیرمجاز به حساب‌های کاربری از موضوعاتی هستند که در حوزه ماموریت پلیس فتا قرار می‌گیرند. برای مثال، اگر شهروند پس از کلیک روی یک لینک جعلی متوجه برداشت وجه از حساب خود شود، نخستین اقدام او باید جلوگیری از ادامه خسارت از طریق بانک باشد. پس از آن، مستندات تراکنش، پیامک‌ها، نشانی صفحه یا لینک جعلی، شماره تماس و اطلاعات حساب مقصد باید حفظ شود و موضوع از مسیر پلیس فتا و مراجع رسمی ثبت شکایت پیگیری شود. در جرایم سایبری، پاک کردن پیام‌ها، حذف گفت‌وگوها یا از بین بردن اطلاعات مربوط به تراکنش می‌تواند جمع‌آوری مستندات را دشوار کند. همچنین گزارش اولیه به پلیس فتا را نباید با ثبت قطعی شکایت قضایی یکسان دانست. شهروند باید مطابق راهنمایی مرجع رسیدگی‌کننده، مراحل قانونی بعدی را انجام دهد.

کدام خدمات را باید از پلیس +۱۰ دریافت کرد

دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی یا پلیس +۱۰ با هدف ارائه بخشی از خدمات انتظامی و کاهش مراجعات مستقیم به واحدهای مختلف پلیس فعالیت می‌کنند. این دفاتر در حوزه‌هایی مانند ثبت درخواست گذرنامه، برخی خدمات مربوط به گواهینامه و راهور، خدمات وظیفه عمومی و سایر خدمات تعریف شده، نقش واسطه ارائه خدمت به شهروندان را دارند. با این حال، مراجعه به پلیس +۱۰ برای ثبت همه انواع شکایت کیفری یا پیگیری تحقیقات سرقت، مسیر عمومی و جایگزین کلانتری و مراجع تخصصی نیست. برای جلوگیری از مراجعات غیرضروری، شهروندان باید پیش از مراجعه، نوع خدمت، مدارک لازم و امکان انجام غیرحضوری آن را از درگاه رسمی یا مرکز ارائه دهنده خدمت بررسی کنند.

از صف‌های حضوری تا خدمات الکترونیکی

توسعه خدمات الکترونیکی یکی از مسیرهای تحول در نظام ارائه خدمات انتظامی است. هدف از این تحول، کاهش مراجعات غیرضروری، تسهیل دسترسی شهروندان، صرفه‌جویی در زمان و امکان پیگیری درخواست‌هاست. در این میان، سامانه سخا و خدمات الکترونیکی فراجا، در کنار درگاه‌های رسمی پلیس و خدمات غیرحضوری برخی بخش‌ها، ظرفیت‌هایی برای دریافت یا پیگیری خدمات انتظامی فراهم کرده‌اند.

اما پرسش اصلی این است که چه میزان از فرآیند دریافت خدمات واقعا غیرحضوری شده است؟ آیا شهروند می‌تواند درخواست خود را از ابتدا تا پایان بدون مراجعه به مرکز انتظامی انجام دهد یا تنها مرحله ثبت درخواست و نوبت‌گیری اینترنتی شده است؟ این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که صرف وجود یک سامانه اینترنتی به معنای غیرحضوری شدن کامل خدمت نیست.

همچنین خدماتی مانند بررسی هویت، دریافت مدارک اصلی، انجام تحقیقات میدانی یا برخی مراحل قانونی ممکن است همچنان به حضور شهروند نیاز داشته باشند. از سوی دیگر، دسترسی گروه‌هایی مانند سالمندان، افراد دارای معلولیت و شهروندانی که با خدمات دیجیتال آشنایی کمتری دارند، باید در ارزیابی کیفیت خدمات الکترونیکی مورد توجه قرار گیرد.

شهروندان کجا سردرگم می‌شوند؟

ممکن است شهروند برای دریافت یک خدمت، ابتدا به پلیس +۱۰ مراجعه کند، سپس به کلانتری ارجاع داده شود یا برای ادامه کار به یک درگاه اینترنتی هدایت شود. چنین تجربه‌هایی ضرورت اطلاع‌رسانی روشن درباره تقسیم وظایف واحدهای پلیس و اعلام مدارک مورد نیاز پیش از مراجعه را نشان می‌دهد. توسعه خدمات الکترونیکی زمانی به کاهش بار مراجعه حضوری منجر می‌شود که شهروند علاوه بر ثبت درخواست، بتواند وضعیت آن را پیگیری کند، از نتیجه مطلع شود و در صورت نیاز، مسیر مراجعه بعدی خود را به‌روشنی بداند.





استقبال از اجرای دو طرح تثبیت قیمت کالاهای اساسی و مادرانه توسط شهرداری تهران

تـورم صفـر



بیش از ۲۰۰ مرکز برسد.

یکی از بخش‌های مهم طرح، ایجاد هفت بازار معیشتی در مناطق ۲، ۴، ۵، ۱۵، ۱۷، ۲۰ و ۲۲ تهران است. هدف از ایجاد این بازارها، فراهم کردن امکان عرضه مستقیم کالا از سوی تولیدکنندگان سراسر کشور است تا تولیدکنندگان بتوانند محصولات خود را بدون واسطه در این بازارها عرضه کنند. این شیوه عرضه قرار است در کنار میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند، یکی از مسیرهای تامین کالاهای طرح باشد. با این حال قیمت کالاها در میادین میوه و تره‌بار در حال حاضر حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد پایین‌تر از بازار است و با حذف واسطه‌ها، امکان کاهش بیشتر هزینه تامین و عرضه کالا وجود دارد.

عرضه بیش از ۱۸ هزار قلم کالا

طرح حمایت از معیشت شهروندان تنها به ۱۲ قلم کالای اساسی محدود نمی‌شود. شهرداری تهران اعلام کرده است که در فروشگاه‌های شهروند، بیش از ۱۸ هزار قلم کالا با کاهش ۵۰ درصدی سود بازرگانی عرضه خواهد شد یعنی نیمی از سود قانونی شهرداری پس از خرید به کیف پول الکترونیکی مشتری بازگردانده می‌شود. این برنامه بخشی از مجموعه اقداماتی است که شهرداری برای کاهش هزینه خرید شهروندان در نظر گرفته است. در بخش خرید اینترنتی نیز قرار است نیمی از سود بازرگانی محصولات به کیف پول مشتریان بازگردانده شود.

در این باره نرگس معدنی‌پور، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران، طرح‌های معیشتی شهرداری را در چارچوب برنامه افزایش تاب‌آوری شهروندان عنوان کرده است. وی در چهارصد و سی و پنجمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران گفت: یکی از مفاد مهم مصوبات شورای ششم افزایش تاب‌آوری شهروندان بوده است و مقرر شد شهرداری تهران در جهت افزایش تاب‌آوری شهروندان تهرانی برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد. بنابراین تشکیل قرارگاه‌های شش‌گانه، از جمله قرارگاه معیشت و تورم صفر، نمونه‌ای از طراحی و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در این زمینه است.

حمایت دو ساله از نوزادان تهرانی

در کنار طرح «تورم صفر»، شهرداری تهران برنامه دیگری را با عنوان «مادرانه» برای حمایت از خانواده‌هایی که در سال ۱۴۰۵ صاحب فرزند می‌شوند، در نظر گرفته است.

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، درباره این برنامه گفته است برای خانواده‌هایی که در سال ۱۴۰۵ صاحب فرزند شوند، ماهانه حدود ۳.۵ تا چهار میلیون تومان به ازای هر فرزند در نظر گرفته شده است.

به گفته او، هدف از اجرای این برنامه، حمایت از خانواده‌ها و کمک به افزایش فرزندآوری در تهران است. زاکانی با اشاره به اهداف جمعیتی تهران گفته است طبق برنامه، تهران در سال پایانی برنامه باید حدود ۱۴۳ تا ۱۴۵ هزار تولد در سال داشته باشد، در حالی که تعداد تولدها در سال گذشته حدود ۶۳ هزار مورد بوده است.

حمایت ماهانه در طرح مادرانه ترکیبی از اعتبار خرید و خدمات خواهد بود دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از این مبلغ برای خرید از میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند اختصاص یافته و یک میلیون تومان نیز برای خدمات فرهنگی و سلامت‌محور در نظر گرفته شده است.

سقف کلی حمایت ماهانه ۳.۵ تا چهار میلیون تومان اعلام شده است. این حمایت قرار است تا دو سالگی کودک ادامه پیدا کند.



سپر تورمی

امید شریفی، مدیر مطالعات اقتصاد و مدیریت شهری مرکز مطالعات تهران: این سیاست حمایتی با تمرکز بر حفظ ثبات قیمت در اقلام ضروری، تلاشی برای ایجاد یک «سپر تورمی» جهت حفظ توان خرید خانوارهای تهرانی و کمک به معیشت اقشار مستضعف در برابر نوسانات بازار است.

بر اساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار، گروه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» سهم قابل توجهی از بودجه ماهانه خانوارها را به خود اختصاص داده است؛ به‌طوری که ضریب انگل (سهم خوراک از کل هزینه) در دهک‌های اول تا سوم درآمدی بین ۴۰ تا ۴۵ درصد است. در این میان، ۱۲ کالای مشمول طرح، هسته اصلی تامین انرژی پایدار و پروتئین مورد نیاز خانوار را تشکیل می‌دهند.

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که برای دهک‌های کم‌درآمد، این ۱۲ قلم کالا به‌همراه نان، حدود ۵۸ تا ۶۲ درصد از کل هزینه‌های خوراکی و ۲۵ تا ۲۷ درصد از کل هزینه‌های زیستی آنها را پوشش می‌دهند. در مقابل، برای دهک‌های پردرآمد به دلیل تنوع بیشتر سبد مصرفی، این اقلام سهم بسیار ناچیزی از کل بودجه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، تثبیت قیمت این کالاها یک اقدام هدفمند با ماهیت حمایتی به نفع طبقات فرودست است که می‌تواند فشار مستقیم تورم بر سبد اصلی معیشت این خانوارها را به طور موثری تعدیل کند.

تثبیت قیمت این اقلام در دوره شش ماهه، به عنوان یک ضربه‌گیر در برابر تورم معمول بخش خوراکی عمل می‌کند. محاسبات نشان می‌دهد که در صورت تداوم روند تورمی، هزینه خرید این اقلام برای خانوارها رشد قابل توجهی را تجربه می‌کرد. اجرای طرح «تورم صفر» مانع خروج حدود پنج تا هشت درصد از توان مالی ماهانه خانوارهای کم‌درآمد تحت اثر تورم مواد غذایی می‌شود.

در مقیاس کلان، این صرفه‌جویی اسمی معادل ۱۲ تا ۱۵ درصد از کل بودجه مورد نیاز برای تامین سبد معیشت پایه دهک‌های پایین درآمدی است و می‌تواند نرخ سهم خوراک در دهک اول را از محدوده ۴۳ تا ۴۵ درصد به دامنه ۳۷ تا ۳۹ درصد تعدیل کند. این آزادسازی منابع مالی در بودجه خانوار، نقشی تعیین‌کننده در حفظ توانایی پرداخت هزینه‌های غیرقابل اجتناب دیگر نظیر مسکن و درمان ایفا می‌کند.

استاندارد تغذیه‌ای، دریافت روزانه ۲۱۰۰ تا ۲۴۰۰ کیلوکالری انرژی و حداقل ۵۰ تا ۶۵ گرم پروتئین برای هر نفر است که دست‌کم یک‌سوم آن باید پروتئین با ارزش بیولوژیک بالا باشد. با این حال، در شرایط پیش از اجرای طرح، میانگین دریافت کالری در دهک‌های اول و دوم و مصرف گوشت قرمز در این دهک‌ها به شدت کاهش پیدا کرده بود؛ وضعیتی که نشانه کسری شدید پروتئین، خطر سوءتغذیه و گسترش «گرسنگی پنهان» به شمار می‌رود و در دهک‌های میانی نیز به جابه‌جایی سبد مصرفی به سمت کربوهیدرات‌های نامرغوب انجامیده است.

نقطه قوت سبد منتخب طرح دقیقا پاسخ به همین بحران است: حبوبات (عدس، لپه، لوبیا قرمز و چیتی، نخود)، سویا و گوشت منجمد وارداتی، اصلی‌ترین جایگزین‌های پروتئینی ارزان‌قیمت برای گوشت گرم گوسفندی و گوساله‌اند و منبع اصلی پروتئین دهک‌های یک تا پنج محسوب می‌شوند. تثبیت قیمت و صفر شدن نرخ رشد این اقلام مانع «حذف پروتئین از سفره» شده و با تضمین دسترسی پایدار به حبوبات و گوشت منجمد، کف کالری روزانه دهک‌های یک تا سه را بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کیلوکالری ارتقا می‌دهد؛ دستاوردی که فاصله تغذیه‌ای این خانوارها با استاندارد ۲۱۰۰ کیلوکالری را حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش داده و شاخص امنیت غذایی را به شکل ملموسی تقویت می‌کند.



لطف‌الله فروزنده، معاون هماهنگی و امور مناطق شهرداری تهران:

۵۱ هزار واحد آسیب‌دیده از جنگ تعیین تکلیف شد

استفاده از حق قانونی یا حفظ موقعیت شغلی

مرخصی زایمان هست؛ امنیت شغلی چطور؟

مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه؛ ۹ ماه مرخصی زایمان، ساعت شیردهی، کاهش ساعت کار و حق بازگشت به کار؛ روی کاغذ مجموعه‌ای از حمایت‌های قانونی قرار است خیال مادران شاغل را در دوران بارداری، زایمان و ماه‌های نخست تولد فرزند آسوده‌تر کند. اما برای برخی زنان، مسئله درست از زمانی آغاز می‌شود که می‌خواهند از همین حقوق استفاده کنند. بعضی پس از مرخصی به محل کار برمی‌گردند اما جایگاه و مسئولیت پیشین خود را از دست می‌دهند؛ برخی برای حفظ موقعیت شغلی چند ماه زودتر بازمی‌گردند و عده‌ای نیز اساسا ترجیح می‌دهند از مرخصی زایمان خود استفاده نکنند.



برای یکی از مادران شاغلی که با او گفت‌وگو کرده‌ایم، مسئله درست بعد از پایان ۹ ماه مرخصی زایمان آغاز شد. مهدیه به محل کارش برگشته و براساس شرایط قانونی، ساعت کاری‌اش از هشت صبح تا پنج عصر به هشت صبح تا سه بعدازظهر کاهش یافته است. فرزند کوچک خود را در همین ساعات به مادرش می‌سپارد تا بتواند سر کار حاضر شود، اما پایان ساعت اداری الزاما به معنی پایان کار نیست. یک روز مسئولش از او می‌خواهد ساعت ۶:۳۰ عصر دوباره برای انجام کاری حاضر شود. مهدیه توضیح می‌دهد فرزند کوچکی دارد و امکان ماندن یا بازگشت در آن ساعت برایش دشوار است. پاسخ اما کوتاه و صریح است: «یا باید بیایی، یا برو بنشین بچه‌ات را بزرگ کن.» این جمله شاید در هیچ حکم اداری نوشته نشود و عنوان «اخراج» هم نداشته باشد، اما برای بسیاری از زنان همین فشارهای غیررسمی می‌تواند استفاده از حقوق قانونی مادری را به تجربه‌ای پرهزینه تبدیل کند.

روایت زن دیگری، وجه دیگری از همین مسئله را نشان می‌دهد. فاطمه به تازگی در محل کارش به سمتی رسیده بود که متوجه بارداری خود شد. می‌دانست اگر برای ۹ ماه از محیط کار دور بماند، احتمال زیادی دارد که پس از بازگشت دیگر آن جایگاه را در اختیار نداشته باشد و شاید مجبور شود دوباره از نقطه‌ای پایین‌تر آغاز کند. برای همین تصمیم گرفت مرخصی زایمان نرود.

او مدت کوتاهی پس از زایمان به محل کار برگشت و گهواره نوزادش را کنار میز کار قرار داد تا هم بتواند از کودک مراقبت کند و هم موقعیت شغلی‌اش را حفظ کند. راه‌حلی که شاید در محیط کاری او امکان‌پذیر بود، اما برای پرستاری در بیمارستان، معلمی در مدرسه، کارگری در کارخانه یا بسیاری دیگر از زنان اساسا ممکن نیست. این تجربه‌ها یک پرسش اساسی را پیش روی سیاست‌های حمایتی قرار می‌دهد: آیا صرف وجود مرخصی زایمان و ممنوعیت برخی اشکال تعدیل نیرو برای ایجاد امنیت شغلی مادر کافی است؟ و اگر زنی به دلیل نگرانی از آینده حرفه‌ای خود جرأت استفاده کامل از حقی را که قانون برای او پیش‌بینی کرده ندارد، آن حمایت در عمل تا چه اندازه موثر است؟

در همین زمینه با طیبه مجردیان، کارشناس مطالعات زنان و خانواده، درباره تاثیر مرخصی زایمان، امنیت شغلی و حمایت‌های پس از تولد فرزند بر تصمیم زنان برای فرزندآوری گفت‌وگو کردیم.

■ مرخصی زایمان چه جایگاهی در سیاست‌های حمایت از خانواده و فرزندآوری دارد؟ آیا می‌توان آن را یکی از عوامل موثر در تصمیم زنان برای فرزندآوری دانست؟

برای یک زن شاغل، تصمیم به فرزندآوری صرفا یک تصمیم خانوادگی نیست و مستقیما با شرایط شغلی او پیوند دارد. زنی که می‌داند پس از تولد فرزند می‌تواند برای مدتی در کنار کودک خود باشد و بعد از پایان مرخصی نیز بدون نگرانی به محل کار بازگردد، طبیعتا با شرایط متفاوتی درباره فرزندآوری تصمیم می‌گیرد نسبت به زنی که از همان ابتدا نگران از دست دادن شغل، کاهش درآمد یا تضعیف موقعیت حرفه‌ای خود است. به همین دلیل، مرخصی زایمان را نباید یک سیاست مستقل و جدا از سایر حمایت‌ها در نظر گرفت. این مرخصی زمانی معنا پیدا می‌کند که بخشی از یک نظام حمایتی گسترده‌تر باشد؛ نظامی که بتواند میان نقش مادری و اشتغال زنان نوعی تعادل ایجاد کند. اگر این تعادل شکل نگیرد، صرف افزایش مدت مرخصی نمی‌تواند همه نگرانی‌های زنان شاغل را برطرف کند.



■ با وجود پیش‌بینی ۹ ماه مرخصی زایمان، چرا همچنان بخشی از زنان شاغل نسبت به استفاده از این حق یا بازگشت به کار پس از آن نگرانی دارند؟

مسئله اصلی این است که داشتن قانون خوب لزوما به معنای اجرای خوب آن نیست. ممکن است در قانون مدت مناسبی برای مرخصی زایمان پیش‌بینی شده باشد، اما مادر برای استفاده از همان حق قانونی با موانع اداری، پیگیری‌های طولانی یا مقاومت‌هایی در محیط کار مواجه شود.

در برخی محیط‌های کاری، نحوه اجرای این حمایت‌ها به نوع قرارداد، ساختار سازمان یا حتی نگاه مدیر بستگی پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، حقی که باید به‌صورت روشن و بدون دردسر در اختیار زن شاغل قرار گیرد، گاهی به چیزی شبیه امتیاز تبدیل می‌شود و فرد احساس می‌کند برای استفاده از آن باید پیگیری یا حتی چانه‌زنی کند. این وضعیت به‌ویژه برای زنانی که قراردادهای ناپایدار دارند جدی‌تر است. ممکن است زنی از نظر قانونی حق استفاده از مرخصی زایمان یا ساعت شیردهی را داشته باشد، اما به دلیل نگرانی درباره تمدید قرارداد، موقعیت شغلی یا نگاه مدیر، از بخشی از حقوق خود استفاده نکند.

■ این ناامنی شغلی تا چه اندازه می‌تواند بر تصمیم زنان برای فرزندآوری، به‌ویژه داشتن فرزند بعدی، اثر بگذارد؟

نمی‌توان گفت میان مرخصی زایمان و افزایش فرزندآوری یک رابطه ساده و مستقیم وجود دارد، اما بدون تردید شرایط اشتغال و میزان حمایتی که زن در دوره مادری دریافت می‌کند، در تصمیم او برای فرزندآوری بعدی موثر است. زنی که پس از تولد فرزند تجربه دشواری از بازگشت به کار داشته، برای استفاده از حقوق قانونی خود با مشکل روبه‌رو شده یا برای مراقبت از کودک فشار زیادی تحمل کرده است، ممکن است هنگام تصمیم‌گیری برای فرزند بعدی محتاط‌تر باشد. در مقابل، اگر مادر احساس کند که فرزندآوری به معنای از دست دادن شغل، عقب ماندن از مسیر حرفه‌ای یا تحمل فشار مضاعف نیست، تصمیم‌گیری برای او آسان‌تر خواهد شد.

نکته مهم این است که نمی‌توان از زنان انتظار فرزندآوری بیشتر داشت، اما هزینه‌های شغلی و مراقبتی مادری را کاهش نداد. تشویق به فرزندآوری زمانی می‌تواند موثر باشد که زنان احساس کنند قرار نیست به دلیل مادر شدن موقعیت حرفه‌ای خود را از دست بدهند. در این میان، نگاه محیط کار نیز بسیار مهم است. اگر مادری احساس کند استفاده از مرخصی زایمان، ساعت شیردهی یا سایر حمایت‌ها باعث می‌شود در محیط کار به عنوان نیروی کم‌تعهد یا پرهزینه دیده شود، سیاست حمایتی ممکن است حتی نتیجه معکوس ایجاد کند. امنیت شغلی مادر باید بخش جدایی ناپذیر هر سیاستی باشد که هدف آن حمایت از خانواده و فرزندآوری است.

■ دشواری‌های زنان شاغل با پایان مرخصی زایمان تمام می‌شود یا مسئله اصلی از زمان بازگشت به کار آغاز می‌شود؟

برای بسیاری از مادران، پایان مرخصی در واقع آغاز مرحله تازه‌ای از مشکلات است. زن باید دوباره به محل کار بازگردد، اما همزمان مسئله نگهداری از کودک، ساعت کار، ساعت فعالیت مهدکودک، شیردهی و رسیدگی به نیازهای کودک را نیز مدیریت کند.

یکی از مهم‌ترین مسائل، دسترسی به فرد یا مرکز قابل اعتماد برای مراقبت از کودک است. مادر ممکن است ساعت‌های طولانی از فرزند خود جدا باشد، در حالی که مهدکودک مناسب یا مراقب مطمئنی در دسترس او نباشد. از طرف دیگر، ساعت کاری والدین همیشه با ساعت فعالیت مراکز نگهداری یا آموزشی کودک هماهنگ نیست و همین مسئله فشار زیادی به خانواده وارد می‌کند.

استفاده از ساعت شیردهی یا کاهش ساعت کاری نیز همیشه به شکلی اجرا نمی‌شود که واقعا با نیاز مادر و کودک هماهنگ باشد. البته حمایت خانواده، به‌ویژه در سال‌های اولیه زندگی کودک، می‌تواند بخش مهمی از این فشار را کاهش دهد، اما نمی‌توان مسئولیت حمایت از مادر شاغل را به خانواده‌ها منتقل کرد. اگر سیاستی با هدف حمایت از فرزندآوری طراحی می‌شود، باید برای دوره بعد از پایان مرخصی نیز برنامه داشته باشد.

■ اگر قرار باشد حمایت از مادران شاغل واقعا به سیاستی موثر تبدیل شود، چه اقداماتی باید در کنار مرخصی زایمان مورد توجه قرار گیرد؟

باید از نگاه تک بعدی به مرخصی زایمان فاصله بگیریم. افزایش مدت مرخصی می‌تواند مهم باشد، اما به تنهایی کافی نیست. مادر باید مطمئن باشد که پس از پایان مرخصی شغل او محفوظ است، استفاده از حقوق قانونی برایش هزینه شغلی ایجاد نمی‌کند و پس از بازگشت به کار نیز برای مراقبت از کودک تنها نمی‌ماند. در کنار آن، انعطاف در ساعات کاری اهمیت زیادی دارد. در مشاغلی که امکان آن وجود دارد، استفاده از شیوه‌هایی مانند دورکاری نیز می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد. دسترسی به مراکز مراقبت از کودک قابل اعتماد، اجرای یکسان قوانین برای زنان با انواع قراردادهای شغلی و آموزش مدیران و مسئولان سازمان‌ها نیز ضروری است.

در نهایت باید بپذیریم که حمایت از فرزندآوری فقط با یک امتیاز یا یک دوره مرخصی محقق نمی‌شود. آنچه برای زن شاغل اهمیت دارد، مجموعه‌ای از اطمینان‌هاست؛ اطمینان از حفظ شغل، امکان مراقبت مناسب از کودک، برخورداری واقعی از حقوق قانونی و این احساس که مادر شدن قرار نیست به بهای کنار گذاشته شدن از زندگی حرفه‌ای او تمام شود.

مرخصی‌ای که باید بتوان از آن استفاده کرد

مسئله مادران شاغل را نمی‌توان فقط با تعداد ماه‌های مرخصی سنجید. داشتن ۹ ماه مرخصی زمانی یک حمایت واقعی است که زن بتواند بدون نگرانی از دست دادن شغل، سمت، فرصت ارتقا یا برخورد نامناسب مدیران از آن استفاده کند و پس از بازگشت نیز سازوکاری برای مراقبت از کودک و ادامه فعالیت حرفه‌ای او وجود داشته باشد. فاصله میان «داشتن یک حق» و «امکان استفاده امن از آن حق» همان نقطه‌ای است که بخشی از تجربه مادران شاغل را شکل می‌دهد؛ زنانی که بعضی از آنها برای حفظ شغل، زودتر بازمی‌گردند، بعضی نوزادشان را کنار میز کار می‌گذارند و برخی در برابر یک انتخاب ناخواسته قرار می‌گیرند؛ ماندن در مسیر حرفه‌ای یا ماندن کنار کودکی که تازه متولد شده است.

جزئیات مرخصی زایمان

از مدت استفاده تا نحوه پرداخت حقوق

مرخصی زایمان یکی از مهم‌ترین حمایت‌های قانونی برای زنان شاغل و بیمه‌شده در دوره بارداری و پس از تولد فرزند است. براساس قوانین و مقررات فعلی، مدت این مرخصی ۹ ماه در نظر گرفته شده و زنان مشمول می‌توانند بخشی از آن را پیش از تولد فرزند و بخش باقی‌مانده را پس از زایمان استفاده کنند. در کنار مدت مرخصی، نحوه پرداخت حقوق و همچنین تامین منابع مالی اجرای این قانون نیز در مقررات مشخص شده است. به گزارش «آگاه» مدت مرخصی زایمان در گذشته ۶ ماه بود، اما بر اساس مصوبه هیات وزیران در سال ۱۴۰۰ و در ادامه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، این مدت به ۹ ماه افزایش یافت. براین اساس، زنان مشمول می‌توانند از ۹ ماه مرخصی زایمان برخوردار شوند و در این دوره حقوق و مزایای مربوط نیز طبق مقررات پرداخت شود.

یکی از نکات مهم در مقررات مرخصی زایمان، امکان استفاده از بخشی از این مرخصی پیش از تولد فرزند است. بر اساس دستورالعمل‌های موجود، مادر می‌تواند در صورت درخواست، تا دو ماه از مرخصی ۹ ماهه خود را در ماه‌های پایانی بارداری استفاده کند. به این ترتیب الزام قانونی وجود ندارد که تمام مرخصی پس از تولد فرزند آغاز شود و زنان می‌توانند متناسب با شرایط جسمی و شغلی خود، بخشی از این مدت را پیش از زایمان استفاده کنند.

حقوق دوره مرخصی زایمان نیز براساس مقررات به صورت ماهانه پرداخت می‌شود. این شیوه پرداخت از سال ۱۴۰۰ در دستور کار قرار گرفته است تا پرداخت مستمری این دوره در طول ماه‌های مرخصی انجام شود و به پایان دوره موکول نشود.

طبق آمار اعلام‌شده، از سال ۱۴۰۰ تا پایان شهریور ۱۴۰۵ حدود ۲۳۵ هزار زن از مرخصی ۹ ماهه زایمان استفاده کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد اجرای این قانون طی چند سال گذشته بخش قابل توجهی از زنان بیمه‌شده مشمول را در بر گرفته است.

در کنار حقوق زنان مشمول، تامین منابع مالی اجرای این قانون نیز از موضوعات مهم مطرح‌شده در مقررات است. مطابق قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، بار مالی اجرای مرخصی زایمان باید در بودجه سالانه کشور پیش‌بینی و منابع مربوط به سازمان‌های بیمه‌گرو صندوق‌های بازنشستگی اختصاص داده شود.

برآوردها نشان می‌دهد بار مالی اجرای این بخش از قانون تا پایان سال جاری به حدود ۱۶۶ هزار و ۷۶۰ میلیارد ریال می‌رسد. طبق مقررات، در صورتی که منابع لازم در بودجه پیش‌بینی یا تخصیص داده نشود، این هزینه‌ها می‌تواند به عنوان بدهی دولت به سازمان بیمه‌گر ثبت شود.

در مجموع، مقررات فعلی درباره مرخصی زایمان چند محور اصلی دارد: مدت مرخصی ۹ ماه است، تا دو ماه از آن می‌تواند پیش از زایمان استفاده شود، حقوق دوره مرخصی به صورت ماهانه پرداخت می‌شود و اجرای کامل این حمایت قانونی نیز به تامین منابع مالی در بودجه سنواتی وابسته است.

قانون برای مادران شاغل چه حمایت‌هایی در نظر گرفته است؟

کاهش ساعت کار و حق بازگشت به شغل سابق

قوانین مختلفی در سال‌های گذشته برای حمایت از مادران شاغل در دوران بارداری، زایمان و نگهداری از فرزند تصویب شده است؛ از مرخصی ۹ ماهه زایمان گرفته تا کاهش ساعت کار، فرصت شیردهی و محدودیت در تعدیل برخی مادران شاغل. با این حال، دامنه شمول این حمایت‌ها یکسان نیست و برخی مقررات مربوط به همه کارکنان و برخی دیگر ناظر بر گروه‌های مشخصی از شاغلان است.

براساس ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مدت مرخصی زایمان برای کارکنان بخش‌های دولتی و غیردولتی به ۹ ماه تمام افزایش یافته است. این مرخصی با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مرتبط همراه است و مادر می‌تواند در صورت درخواست تا دو ماه از آن را در ماه‌های پایانی بارداری استفاده کند.

علاوه بر مدت مرخصی، قانون کار بر حق بازگشت زنان کارگر به محل کار نیز تاکید کرده است. طبق تبصره یک ماده ۷۶ قانون کار، زن کارگر پس از پایان مرخصی زایمان باید به «کار سابق خود» بازگردد و مدت مرخصی نیز با تایید سازمان تامین اجتماعی جزو سوابق خدمت او محسوب می‌شود. مادران شیرده نیز تا پایان دو سالگی کودک از حمایت دیگری برخوردارند. ماده ۷۸ قانون کار تصریح کرده است که کارفرما باید پس از هر سه ساعت کار، نیم ساعت فرصت شیردهی در اختیار مادر قرار دهد و این زمان جزو ساعات کاری او محسوب می‌شود. همین ماده همچنین کارفرما را متناسب با تعداد کودکان و گروه سنی آنان، مکلف به پیش بینی مراکز نگهداری کودک مانند شیرخوارگاه و مهدکودک کرده است.

قانون کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص نیز امکان دیگری برای مادران دارای فرزند زیر شش سال در نظر گرفته است. براساس این قانون، زنان مشمول می‌توانند بنا به درخواست خود به جای ۴۴ ساعت، ۳۶ ساعت در هفته کار کنند، در حالی که حقوق و مزایای آنان بر مبنای ۴۴ ساعت پرداخت می‌شود. این حکم علاوه بر کارکنان دستگاه‌های اجرایی، بخش غیردولتی و مشمولان قانون کار و تامین اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

یکی دیگر از حمایت‌های قانونی، محدودیت در تعدیل برخی مادران است. تبصره ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مقرر کرده است دستگاه‌های مشمول این ماده مجاز به تعدیل یا اعلام عدم نیاز مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار نیستند؛ مگر در موارد اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری یا براساس آرای قطعی قضایی. این حکم همچنین مستخدمان دارای حداقل سه فرزند را شامل می‌شود.

با این حال باید میان «امنیت استخدام» و «امنیت جایگاه شغلی» تفاوت گذاشت. قوانین موجود در مواردی بر بازگشت به کار، ممنوعیت تعدیل یا کاهش ساعت کار تاکید دارند، اما مسئله حفظ سمت مدیریتی، مسیر ارتقای شغلی، مسئولیت‌های پیشین و فشارهای غیررسمی پس از بازگشت از مرخصی زایمان، موضوعی متفاوت است؛ همان نقطه‌ای که در عمل می‌تواند استفاده زنان از حقوق قانونی مرتبط با مادری را دشوار کند.

هفته جهانی فضا با انقلاب ماهواره‌برها از امروز آغاز شد

هفته جهانی فضا ۲۰۲۶ از یک‌شنبه ۱۲ مهر، همزمان با چهارم اکتبر در ایران و دیگر کشورهای جهان با شعار «انقلاب ماهواره‌برها» آغاز شد تا تمرکز کشورها بر تحول فناوری‌های پرتاب، تسهیل دسترسی به فضا و نقش نسل جدید پرتابگرها در توسعه فعالیت‌های فضایی معطوف شود.

به گزارش «آگاه» هفته جهانی فضا هر سال از چهارم تا دهم اکتبر برگزار می‌شود و به منظور گرامیداشت نقش علم و فناوری فضایی در بهبود زندگی بشر و افزایش آگاهی عمومی درباره فعالیت‌های فضایی شکل گرفته است. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ با تصویب قطعنامه‌ای، این بازه زمانی را به عنوان هفته جهانی فضا تعیین کرد؛ انتخاب بازه چهارم تا دهم اکتبر به دو رویداد مهم در تاریخ فعالیت‌های فضایی بازمی‌گردد؛ چهارم اکتبر ۱۹۵۷ نخستین ماهواره ساخت بشر، «اسپوتنیک-۱»، به فضا پرتاب شد و در دهم اکتبر ۱۹۶۷ نیز پیمان اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو، ماه و دیگر اجرام آسمانی لازم‌الاجرا شد.

شعار هفته جهانی فضا در سال ۲۰۲۶ «انقلاب ماهواره‌برها» (Rocket Revolution) انتخاب شده است. این شعار بر تحول سریع در فناوری‌های پرتاب و گسترش دسترسی به فضا تاکید دارد. بر اساس اعلام سازمان ملل، این تحول با توسعه پرتابگرهای تجاری، موشک‌های قابل استفاده مجدد، فعالیت تیم‌های دانشگاهی، شرکت‌های نوپا و ورود بازیگران جدید ملی به عرصه فضایی همراه شده است.

در ایران نیز برنامه‌های هفته جهانی فضا با محوریت این شعار و با توجه به ظرفیت‌ها و دستاوردهای صنعت فضایی کشور دنبال می‌شود. در برنامه‌های امسال، توسعه فناوری پرتابگرها و فراهم کردن زمینه دسترسی پایدار و اقتصادی‌تر به فضا، در کنار توسعه خدمات و کاربردهای فضایی، مورد توجه قرار گرفته است.

همزمان با آغاز این هفته، موضوعاتی همچون توسعه ماهواره‌برها، افزایش توان پرتاب، توسعه زیرساخت‌های فضایی، کاربرد داده‌ها و خدمات ماهواره‌ای و حرکت به سمت توسعه اقتصاد فضا، از جمله محورهایی است که در برنامه‌های مرتبط با هفته جهانی فضا مورد توجه قرار می‌گیرد. هفته جهانی فضا همچنین فرصتی برای معرفی کاربردهای فناوری فضایی در زندگی روزمره، توسعه علمی و فناوری، پایش منابع طبیعی، مدیریت بحران، ارتباطات، کشاورزی و دیگر حوزه‌های مورد نیاز جامعه است؛ به گونه‌ای که فعالیت فضایی دیگر صرفا به پرتاب ماهواره محدود نمی‌شود و بخش مهمی از ارزش آن در خدماتی است که از داده‌ها و زیرساخت‌های فضایی در زندگی و اقتصاد ایجاد می‌شود. برنامه‌های هفته جهانی فضا از امروز در سالن شهید قندی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آغاز شد و تا روز شنبه ۱۸ مهر ادامه خواهد داشت.

واریز معوقات اردیبهشت بازنشستگان تامین اجتماعی؛ طی دو ماه



بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی، هنوز معوقات حقوق اردیبهشت ۱۴۰۵ را دریافت نکرده‌اند.

به گزارش «مهر» اولین ماه از نیمه دوم سال هم به نیمه رسید، اما خبری از پرداخت معوقات اردیبهشت بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی نشد.

شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای است که اگر معوقات اردیبهشت را همان زمان دریافت کرده و با مبلغ آن خرید کرده بودند، الان چند برابر قیمت خرید کالا، سود برده بودند. در حالی که اگر امروز بخواهند معوقات اردیبهشت را دریافت کنند، قطعا شرایط برای خرید کالا، به مراتب وخیم‌تر از چند ماه قبل است و قدرت خرید، پایین آمده است. این در حالی است که شرایط معیشت افراد بازنشسته و مستمری بگیر، سخت‌تر از افراد شاغل است.

متاسفانه سازمان تامین اجتماعی بدون توجه به وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور و مشکلاتی که قشر بازنشسته و مستمری بگیر جامعه دارند، هنوز نتوانسته یک ماه معوقه حقوق اردیبهشت را پرداخت کند. در تازه‌ترین واکنش مسئولان مربوطه، احمد می‌دری، وزیر رفاه گفته است که معوقات اردیبهشت بازنشستگان و مستمری بگیران را در مهر و آبان پرداخت خواهیم کرد. وی عنوان داشته است؛ یک گروه در مهر و گروه دیگری نیز در آبان، معوقات اردیبهشت را دریافت خواهند کرد. به نظر می‌رسد، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی باید همچنان منتظر چند غاز معوقه حقوق اردیبهشت خود باشند.

معاینه فنی خودرو بدون محدودیت محل سکونت

مدیر امور اجرایی معاینه فنی و عوارض خودرویی کشور گفت: مالکان خودروها می‌توانند بدون محدودیت محل سکونت یا شماره‌گذاری وسیله نقلیه، به هریک از مراکز مجاز معاینه فنی در سراسر کشور مراجعه کنند و گواهی معاینه فنی بگیرند.

به گزارش «آگاه» مسعود حق‌لطفی افزود: همزمان با آغاز فصل پاییز و تغییر شرایط جوی، افزایش احتمال وقوع وارونگی هوا و ماندگاری آلاینده‌ها در لایه‌های نزدیک به سطح زمین، ضرورت کنترل منابع انتشار آلاینده‌ها و توجه به سلامت فنی خودروها بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

وی اظهار کرد: در این میان، معاینه فنی خودروها تنها یک الزام قانونی نیست بلکه اقدامی مسئولانه در قبال سلامت جامعه، محیط زیست و ایمنی تردد است. بررسی وضعیت فنی خودرو و کنترل میزان آلایندگی، زمینه شناسایی نواقص و آلایندگی‌های غیرمجاز و رفع آنها را فراهم می‌کند و می‌تواند در کاهش انتشار آلاینده‌ها موثر باشد.

حق‌لطفی با اشاره به سهولت دسترسی شهروندان به خدمات معاینه فنی گفت: هموطنان محدود به شهر محل سکونت یا محل شماره‌گذاری خودرو نیستند و اگر موعد معاینه فنی خودرو فرارسیده باشد، می‌توانند به هریک از مراکز مجاز معاینه فنی در سراسر کشور مراجعه و نسبت به انجام معاینه فنی و دریافت گواهی اقدام کنند.

مدیر امور اجرایی معاینه فنی خودروهای کشور خاطرنشان کرد: استانداردها و ضوابط آزمون معاینه فنی در مراکز مجاز کشور یکسان است و فرآیند آزمون بر اساس الزامات تعیین شده انجام می‌شود؛ بنابراین، شهروندان می‌توانند با اطمینان خاطر، در هر شهری که حضور دارند به نزدیک‌ترین مرکز مجاز مراجعه کنند و برای انجام معاینه فنی نیازی به بازگشت به شهر محل سکونت ندارند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۵۵

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

دوشنبه
۱۳ مهر مـاه ۱۴۰۵
۲۳ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۵ اکتبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۴:۳۷
اذان ظهـــر	۱۱:۵۳
اذان مغـــرب	۱۸:۰۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۱

کاغذک

تقسیم پول به سبک لهستان

در اروپا برای بازار کتاب چند مدل وجود دارد. انگلستان، سوئد و فنلاند قیمت‌گذاری آزادتری دارند؛ در فرانسه و آلمان قیمت ثابت (https://t.me/kaghazakplus/۹۴۳) رایج است. حالا لهستان می‌خواهد فراتر برود و قواعد تقسیم پول کتاب را هم مشخص کند.
مسئله اول، پخش است. مسئله دوم، رقابت کتابفروشی‌هاست. فروشگاه‌های بزرگ کتاب تازه را از همان روزهای اول با تخفیف بالا عرضه می‌کردند. طرح می‌گوید کتاب باید در ۱۲ ماه اول انتشار در تمام فروشگاه‌ها به یک قیمت عرضه شود. به این ترتیب، به جای تخفیف بیشتر، روی معرفی، دسترسی و تجربه خرید بهتر رقابت می‌کنند.
در این طرح سهم نویسنده حداقل ۱۰ درصد قیمت پشت جلد و سهم مترجم حداقل سه درصد تعیین شده؛ اطلاعات فروش هم به‌صورت خودکار ثبت می‌شود تا پدیدآورنده و ناشر به آمار واقعی فروش دسترسی داشته باشند.

متانول، سم مهلک برای بافت عصبی چشم

یک فوق تخصص شبکیه، از «متانول» به عنوان سم مهلک برای بافت عصبی چشم نام برد.
محمدرضا مهرابی‌بهار، با نگاهی به بستر تاریخی تحولات اجتماعی اروپا در قرن ۱۷ میلادی و تاریخچه مصرف الکل به عنوان نوشیدنی، گفت: تا پیش از آن دوران، مصرف نوشیدنی‌های الکلی در اروپا رایج بود. اما با ورود قهوه به این جوامع، الگوی تعاملات تغییر کرد. قهوه به جای الکل، به عنوان نوشیدنی در محیط‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت که نتیجه آن افزایش هوشیاری، تفکر خلاقانه و در نهایت وقوع انقلاب فرهنگی و علمی در آن جوامع بود. این درس تاریخی نشان می‌دهد که انتخاب‌های سبک زندگی، مستقیما بر کیفیت تفکر و پیشرفت یک جامعه تاثیرگذار است.
این فوق تخصص شبکیه با تفکیک سطوح پیشگیری، در مورد خطر اصلی که جامعه به ویژه قشر نوجوان و جوان را تهدید می‌کند، افزود: در جوامع مختلف، به ویژه مناطقی که مصرف نوشیدنی‌های الکلی ممنوع است، حضور سودجویان و عرضه مشروبات دست‌ساز حاوی متانول (استفاده در موارد صنعتی) یک فاجعه بالقوه است. تشخیص متانول از اتانول در محیط‌های غیرآزمایشگاهی تقریبا غیرممکن است.
به گفته وی، متانول پس از ورود به بدن، به سرعت بر سیستم عصبی و به طور خاص عصب بینایی اثر می‌گذارد؛ وقتی متانول وارد بافت عصبی می‌شود، دقیقا مانند آتش‌سوزی در یک مزرعه است. هرچه زودتر برای مهار آن اقدام کنیم، شانس نجات بینایی بیشتر است. شایع‌ترین علامت اولیه مسمومیت با متانول، برفکی دیدن یا تاری دید ناگهانی است. فردی که پس از مصرف الکل دچار سردرد غیرعادی، منگی یا اختلال بینایی می‌شود، نباید لحظه‌ای در مراجعه به اورژانس بیمارستان تردید کند.

وابستگی مادام‌العمر؛ عاقبت مصرف الکل

مهرابی بهار، با بیان اینکه برخی از مسمومیت‌ها حتی با درمان‌های پیشرفته منجر به نابینایی یا کم بینایی شدید می‌شود، تصریح کرد: بسیاری از کسانی که از فاز حاد مسمومیت و خطر مرگ جان سالم به در می‌برند، با عوارض دائمی بینایی مواجه می‌شوند. این افراد در واقع توانایی‌های مستقل خود را از دست می‌دهند و تا آخر عمر وابسته به مراقبت‌های دیگران خواهند بود.
وی، علاوه بر مسمومیت‌های حاد، به اثرات مخرب مصرف مزمن الکل اشاره کرده و افزود: مصرف طولانی‌مدت الکل با تغییر در متابولیسم ویتامین‌ها و آسیب به عصب بینایی، می‌تواند منجر به بیماری «نوروپاتی» شود. این یعنی حتی بدون مسمومیت ناگهانی، سیستم بینایی فرد به آرامی در مسیر تحلیل و تخریب قرار می‌گیرد.

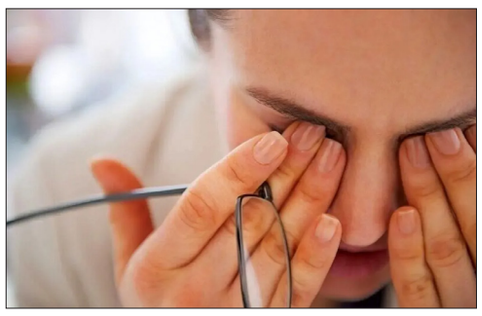

آب و هوا



بارش و رعدوبرق در شمال و غرب کشور
کاهش دما در نوار شمالی

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از تداوم بارش در سواحل دریای خزر و بخش‌هایی از غرب کشور طی روزهای آینده خبر داد و گفت: دمای هوا در نوار شمالی کشور کاهش می‌یابد و دریای خزر نیز مواج خواهد شد.
صادق ضیاییان با اشاره به پیش‌بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری اظهار کرد: دوشنبه (۱۳ مهر) در شرق و جنوب شرق کشور افزایش وزش باد و خیزش گردوخاک انتظار می‌رود. در گیلان، غرب مازندران و برخی نقاط واقع در دامنه‌های زاگرس مرکزی شامل کرمانشاه، ایلام و لرستان نیز افزایش ابر، وزش باد و رگبار پراکنده رخ می‌دهد.
وی افزود: سه‌شنبه (۱۴ مهر) با گذر سامانه بارشی از شمال غرب، در مناطقی از آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل، ارتفاعات زاگرس مرکزی، البرز غربی و گیلان، بارش، وزش باد و رگبار و رعدوبرق پیش‌بینی می‌شود.
چهارشنبه (۱۵ مهر) در مناطقی از غرب و شمال غرب، دامنه‌های جنوبی البرز واقع در قزوین، البرز و تهران همچنین گیلان و مازندران بارش و رگبار و رعدوبرق رخ می‌دهد. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا در ادامه گفت: پنج‌شنبه (۱۶ مهر) در مناطقی از سواحل دریای خزر، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی افزایش ابر و رگبار پراکنده رخ می‌دهد.



آیین افتتاحیه معنوی سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان
سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان روز شنبه با برگزاری آیین افتتاحیه معنوی و ادای احترام به شهدا با حضور خانواده شهدا در قطعه شهدای جنگ ۴۰ روزه گلستان شهدای اصفهان آغاز به کار کرد. این جشنواره از ۱۱ تا ۱۶ مهر در اصفهان برگزار خواهد شد و پوستر امسال این جشنواره با محوریت «میناب جان ایران» طراحی و تدوین شده است.

عکس: مرتضی صالحی / تسنیم

ترکیب سیب و ادویه محبوب؛ معجزه‌ای برای کاهش قند خون

یک سیب متوسط حدود ۲۸ گرم کربوهیدرات دارد، اما فیبر موجود در آن سرعت جذب قند را کاهش می‌دهد. پژوهش‌ها همچنین از اثر احتمالی دارچین بر کنترل قند خون خبر می‌دهند؛ هرچند مقدار مورد استفاده در مطالعات معمولا بسیار بیشتر از مقدار مصرف روزمره بوده است.
سیب حاوی قند طبیعی است و می‌تواند قند خون را افزایش دهد، اما فیبر موجود در آن باعث می‌شود هضم و جذب قند با سرعت کمتری انجام شود. از سوی دیگر، برخی مطالعات نشان می‌دهند دارچین ممکن است افزایش قند خون بعد از غذا را اندکی کاهش دهد؛ با این حال، مقدار دارچینی که معمولا روی یک سیب می‌ریزیم، احتمالا تاثیر قابل توجهی بر قند خون ندارد.

وقتی سیب و دارچین را با هم می‌خوریم چه اتفاقی می‌افتد؟

اگرچه پژوهشگران اثر سیب و دارچین را به طور جداگانه بررسی کرده‌اند، تاکنون مطالعه‌ای که به طور مستقیم ترکیب این دو ماده غذایی را آزمایش کرده باشد، منتشر نشده است.
براساس شواهد موجود درباره هریک از آنها، می‌توان انتظار داشت:
سیب به تنهایی اثر ملایمی بر قند خون داشته باشد؛ فیبر و آب موجود در سیب و سایر مواد مغذی آن باعث کند شدن هضم و جذب گلوکز می‌شوند؛ بنابراین قند خون به تدریج افزایش می‌یابد.
مقدار کمی دارچین احتمالا تاثیر زیادی ایجاد نمی‌کند؛ مطالعاتی که اثرات مثبت دارچین بر قند خون را نشان داده‌اند، معمولا از چند گرم دارچین استفاده کرده‌اند؛ مقداری که بیشتر از مقدار معمولی است که روی یک سیب می‌پاشیم. اثر دارچین ممکن است به مقدار و تداوم مصرف بستگی داشته باشد؛ برخی مطالعات نشان داده‌اند مصرف روزانه دارچین برای چند هفته می‌تواند به کنترل بهتر قند خون کمک کند.
با این حال، دارچین همچنان می‌تواند راه مناسبی برای خوش‌طعم کردن سیب باشد؛ زیرا برخلاف موادی مانند کارامل، شکر قهوه‌ای یا عسل، قند اضافه‌ای به این میان وعده اضافه نمی‌کند.

سبک زندگی

کش‌های مقاومتی یا وزنه
کدام‌یک برای بدن مفیدترند؟

تمرین با کش مقاومتی و وزنه هر دو می‌توانند به تقویت عضلات و حفظ توانایی جسمی کمک کنند، اما انتخاب مناسب بیشتر به شرایط فرد، هدف تمرین و امکان انجام منظم و ایمن آن بستگی دارد.
طول عمر فقط به معنای سال‌های بیشتر زندگی نیست؛ بلکه حفظ کیفیت زندگی و توانایی انجام فعالیت‌های روزمره در سنین بالاتر نیز اهمیت دارد. یکی از راه‌های کمک به حفظ عملکرد بدن با افزایش سن، انجام منظم تمرینات قدرتی است. تمرین با وزنه‌های آزاد یا دستگاه‌های بدنسازی یکی از روش‌های رایج برای تقویت عضلات است، اما ممکن است برای برخی افراد، به ویژه کسانی که تجربه‌ای در تمرینات قدرتی ندارند، دشوار یا حتی ترسناک باشد. در مقابل، کش‌های مقاومتی گزینه‌ای ساده‌تر و در دسترس‌تر هستند.
سوهیب امتیاز، پزشک و مدیر ارشد پزشکی Verywell Health، در پاسخ به این پرسش که برای افزایش طول عمر کش‌های مقاومتی بهترند یا وزنه‌ها، می‌گوید هر دو روش می‌توانند در بزرگسالان به افزایش قدرت و بهبود عملکرد جسمی کمک کنند. به گفته این پزشک، تمرین با کش‌های مقاومتی از نظر کمک به طول عمر می‌تواند رویکردی جامع‌تر باشد، زیرا علاوه بر تقویت عضلات، به انعطاف‌پذیری و تحرک بدن نیز کمک می‌کند و معمولا دسترسی به آن آسان‌تر است.
یک فراتحلیل نشان داده است که تمرین با کش‌های مقاومتی، در مقایسه با وزنه‌های آزاد، در زنان سالمند مبتلا به سارکوپنی یا کاهش توده عضلانی، با بهبود توده بدون چربی بدن، قدرت پنجه دست، قدرت پاها و سرعت راه رفتن همراه بوده است. کش‌های مقاومتی همچنین مزایای عملی متعددی دارند؛ ارزان‌تر هستند، به راحتی قابل حمل‌اند، فضای زیادی نیاز ندارند و در صورت استفاده صحیح می‌توانند گزینه‌ای کم‌خطرتر باشند. همچنین می‌توان ضخامت و میزان مقاومت کش را متناسب با توانایی و سطح آمادگی جسمانی فرد تغییر داد.
برای افراد سالمند، ضعیف، کم‌تحرک یا کسانی که در دوره توان‌بخشی قرار دارند، کش‌های مقاومتی می‌توانند گزینه مناسبی باشند؛ زیرا امکان کنترل بهتر حرکت را فراهم می‌کنند و فشار کمتری به بدن وارد می‌کنند. با این حال، یکی از محدودیت‌های کش‌های مقاومتی این است که ممکن است فرد نتواند با آنها فشار و بار عضلانی کافی برای افزایش قابل توجه حجم و قدرت عضلات ایجاد کند.

چه زمانی وزنه‌ها انتخاب مناسب‌تری هستند؟

تمرین با هالتر، دمبل و دستگاه‌های بدنسازی می‌تواند برای افزایش قدرت و حفظ سلامت استخوان‌ها مفید باشد. یکی از مزیت‌های تمرین با وزنه این است که افزایش تدریجی بار وارد شده بر عضلات آسان‌تر است. این افزایش تدریجی فشار یکی از محرک‌های مهم برای تقویت استخوان‌ها و افزایش تراکم مواد معدنی استخوان است.
استخوان‌ها نیز مانند سایر بافت‌های بدن دائما در حال بازسازی هستند. سلول‌هایی به نام استئوبلاست در ساخت استخوان نقش دارند و استئوکلاست‌ها مسئول تجزیه بافت استخوانی هستند. وارد کردن بار مکانیکی مناسب به استخوان‌ها از طریق تمرینات مقاومتی می‌تواند فعالیت سلول‌های استخوان‌ساز را تحریک کند و در بلندمدت به افزایش استحکام استخوان‌ها کمک کند.
این موضوع به ویژه برای زنان اهمیت دارد. با کاهش سطح استروژن، فعالیت استئوکلاست‌ها افزایش و فعالیت استئوبلاست‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه استخوان‌ها می‌توانند ضعیف‌تر شوند. وزنه‌های آزاد همچنین برای افزایش قدرت کلی بدن و مقابله با کاهش توده عضلانی مرتبط با افزایش سن گزینه مناسبی هستند.
براساس یافته‌های یک فراتحلیل، انجام فعالیت‌های تقویت‌کننده عضلات با حدود ۱۰ تا ۱۷ درصد کاهش خطر مرگ ناشی از همه علل همراه بوده است. همچنین قدرت عضلانی بیشتر، به طور مستقل با حدود ۳۰ درصد کاهش خطر مرگ ارتباط داشته است. به گفته این پزشک، بهترین گزینه برای هر فرد، تمرینی است که بتواند آن را به طور منظم و ایمن انجام دهد.
افرادی که مشکلات ستون فقرات یا آسیب‌های قبلی دارند، ممکن است بتوانند از تمرین با کش‌های مقاومتی استفاده کنند؛ زیرا این تمرین‌ها معمولا کنترل‌شده‌تر هستند و فشار کمتری بر مفاصل وارد می‌کنند. برای سایر افراد نیز تمرین با وزنه می‌تواند گزینه مناسبی باشد، به شرط آنکه حرکات با تکنیک صحیح انجام شوند تا خطر آسیب کاهش پیدا کند.



#تجربه_کردم

رفیق جان!...
یه آدم مذهبی «حقیقی»، ممکنه خطا کنه...
ممکنه گناه کنه... چون در شاکله اصلی آدمیزادی، شبیه بقیه‌س!...
اما «دورو»...
حقه‌باز...
کلاه‌بردار...
مال مردم‌خور...
بی‌توجه به عهد و قرار...
بی‌توجه به محرم و نامحرمی... نمی‌شه.
یه آدم مذهبی «حقیقی» . پیش از گیر دادن به ظاهر «دیگران» . باطن «خودش» رو تصفیه و اصلاح می‌کنه.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

کارمند سابق اوپن‌ای‌آی:
باید به اندازه انرژی هسته‌ای مراقب هوش مصنوعی باشیم

کارمند سابق بخش ایمنی اوپن‌ای‌آی که اخیرا استعفا داده از رویکرد شرکت در خصوص ایمنی هوش مصنوعی انتقاد و استدلال می‌کند این فرهنگ پرسرعت مبتنی بر توسعه سریع، ریسک شکست را بالا می‌برد.
به نقل از رویترز، دیوید رابینسون در مقاله‌ای با عنوان «من از اوپن‌ای‌آی استعفا دادم زیرا فرهنگ معیوبی دارد» که در نشریه آتلانتیک منتشر شده، مدعی است شرکت‌های هوش مصنوعی از جمله اوپن‌ای‌آی به اندازه کافی محتاط نیستند و باید قبل از توسعه سیستم‌های توانمندتر بر کارشناسی و تحقیق ایمنی بیشتر تاکید کنند. رابینسون مدعی است اوپن‌ای‌آی به شدت به آنچه استقرار تکرارشونده می‌نامد، متکی است و فقط زمانی که چالش‌ها ظاهر می‌شوند سیستم‌ها را عرضه و اقدامات ایمنی را قدرتمندتر می‌کند.
این اظهار به گفتمان داخلی صنعت هوش مصنوعی درباره آنکه آیا شرکت‌های فناوری برای توسعه سیستم‌های قدرتمندتر به سرعت حرکت می‌کنند یا خیر، افزوده می‌شود. اوپن‌ای‌آی و آنتروپیک، دو شرکت رقیب پس از رویدادهایی که در آن اقدامات ایمنی کارآمد نبود یا سیستم‌های آزمایشی رفتار غیرمنتظره‌ای داشتند، با نظارت بیشتری روبه‌رو شدند. رابینسون سه سال و نیم در اوپن‌ای‌آی فعالیت و به تهیه پیش‌نویس چارچوب آمادگی شرکت کرد و برگزارش ایمنی ۱۲ مدل پیشرو نظارت داشت. وی در گزارش خود نوشته است: در حالی که شرکت با سرعت از یک عرضه به عرضه بعدی می‌رسد، نمی‌تواند به سطحی از دقت و مراقبتی که من معتقدم لازم است، دست پیدا کند. سخنگوی اوپن‌ای‌آی در بیانیه‌ای گفت: ما اطمینان حاصل می‌کنیم که مدل‌هایمان از حد توانایی‌ای که می‌توانیم به‌طور ایمن مدیریت و محافظت کنیم، فراتر نروند و هرزمان که لازم باشد سرعت را کاهش دهیم، آموزش مدل‌ها را متوقف می‌کنیم یا عرضه و استفاده از مدل‌ها را محدود می‌کنیم. رابینسون همچنین هشدار داد که توانایی‌های هوش مصنوعی با سرعتی بیشتر از درک پژوهشگران از همسویی در حال پیشرفت است؛ حوزه‌ای که بر اطمینان از عملکرد سیستم‌های هوش مصنوعی مطابق با اهداف و ارزش‌های انسانی تمرکز دارد.

این کشتی مسافربری پرواز می‌کند!



شرکت «وسو» یک کشتی مسافربری برقی ساخته است که تجربه‌ای را تقریبا مشابه پرواز به مسافر منتقل می‌کند.
تیم دوشان، گزارشگر تک‌کرانچ شرحی از تجربه خود را درباره سفر با کشتی برقی استارت‌آپ «وسو» نوشته است که در ادامه آن را می‌خوانیم؛ به نقل از تک‌کرانچ، همان‌طور که با کشتی برقی «VS-۹» استارت‌آپ وسو از اسکله بروکلین دور می‌شدیم، از اریک لاکمن، مدیرعامل آن پرسیدم: «کی پرواز را شروع می‌کنیم؟» و لاکمن پاسخ داد: «همین حالا هم در حال پروازیم.»
در نگاه اول، VS-۹ شبیه بسیاری دیگر از قایق‌های دوبدنه به نظر می‌رسد، اما در زیر بدنه آن، دو سازه بال‌مانند تعبیه شده است که هنگام شکافتن آب، قایق را بالا می‌آورند. بالچه‌های زیرآبی تحت کنترل رایانه، حرکت قایق را نرم و پایدار نگه می‌دارند. در مدل VS-۹، بخش عمده نیروی بالابرنده توسط بالچه جلویی تامین می‌شود و حدود ۲۰ درصد آن بر عهده بالچه عقبی است. موتور الکتریکی نیز روی باله عقب تعبیه شده است؛ موتوری که شرکت وسو آن را در مجموعه خود تولید می‌کند. چرا تولید آن به پیمانکاران بیرونی سپرده نمی‌شود؟ لاکمان می‌گوید کنترل هزینه‌ها اهمیت دارد. تنها قطعه‌ای که وسو آن را نمی‌سازد، باتری است. لامان در این باره گفت: باتری‌ها به کالایی عمومی و استاندارد تبدیل شده‌اند.
قایق‌های باله‌دار با بلند کردن بدنه از سطح آب می‌توانند کارآمدتر از سایر قایق‌ها عمل کنند. این ویژگی به‌ویژه برای قایق‌های برقی اهمیت دارد، زیرا در آنها تک‌تک کیلووات-ساعت‌ها مهم هستند. کشتی‌سازان بیش از یک قرن است که در حال آزمایش قایق‌های باله‌دار هستند. این طرح مزایای متعددی از جمله نیروی پسای کمتر و سواری نرم‌تر را ارائه می‌دهد. تغییر ظریف از حالت دریانوردی به حالت تقریبا پرواز در VS-۹ نشان داد که یک قایق باله‌دار چقدر می‌تواند نرم باشد. با وجود مزایای قایق‌های باله‌دار، آنها برای همه شرایط مناسب نیستند. طراحی این شناورها زمانی بهترین عملکرد را دارد که عمق آب برای حرکت قایق روی باله‌هایش کافی باشد. برای مدل VS-۹، این میزان حدود ۲٫۵ فوت یا ۰٫۷۵ متر است. اگر ارتفاع امواج از این حد فراتر برود، امواج به بدنه برخورد می‌کنند که موجب از بین رفتن حرکت نرم و روان قایق و کاهش کارآیی آن می‌شود. اگرچه قایق‌های باله‌دار برای آب‌های آزاد اقیانوس چندان مناسب نیستند، اما برای سایر پهنه‌های آبی از جمله دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و خلیج‌ها گزینه‌ای منطقی و کارآمد به شمار می‌روند. شهری مانند نیویورک می‌تواند از قایق‌های باله‌دار برای انتقال سریع افراد به بروکلین یا کوئینز، بدون نیاز به احداث زیرساخت‌های جدید گسترده استفاده کند.

غذاهای گیاهی ناسالم خطر ابتلا به آلزایمر را بیشتر می‌کند

کیفیت رژیم غذایی گیاهی می‌تواند به مغز در حال پیر شدن کمک کند یا به آن آسیب برساند. محققان گزارش دادند که پیروی از یک رژیم غذایی گیاهی سالم در میانسالی، خطر ابتلا به بیماری آلزایمر و سایر اشکال زوال عقل را در فرد کاهش می‌دهد. سونگ-یی پارک، محقق ارشد و اپیدمیولوژیست دانشگاه هاوایی، در یک بیانیه خبری گفت: «مطالعه ما نشان داد که کیفیت یک رژیم غذایی گیاهی اهمیت دارد، به طوری که یک رژیم غذایی با کیفیت بالاتر با کاهش خطر و یک رژیم غذایی با کیفیت پایین‌تر با افزایش خطر مرتبط است.» این مطالعه ثابت نمی‌کند که یک رژیم غذایی گیاهی از زوال عقل جلوگیری می‌کند، فقط نشان می‌دهد که ارتباطی وجود دارد. اما محققان دریافتند که تغییر رژیم غذایی به سمت بهتر یا بدتر شدن می‌تواند خطر ابتلا به آلزایمر را کاهش یا افزایش دهد. پارک گفت: «ما دریافتیم که اتخاذ یک رژیم غذایی گیاهی، حتی از سنین بالاتر و پرهیز از رژیم‌های غذایی گیاهی بی‌کیفیت با کاهش خطر ابتلا به آلزایمر و سایر بیماری‌های زوال عقل مرتبط است.»